



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیکشنبه (۳) اسفند ماه ۱۳۳۸

فهرست مطالب :

۱- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور.
۲- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

مجلس ساعت هشت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

میکند، بفرمائید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(شرح زبر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

روحانی - بنام خدای توانا، همکاران محترم استحضار دارید بنده تاکنون در بودجه صحبت نکرده‌ام زیرا بنده که اساسی توجه داشتم یکی اهمیت و تأثیر بودجه در تمام امور عمرانی اقتصادی و مشون اجتماعی و فرهنگی مملکت دیگری عدم توانائی خود برای بحث درباره جنب امر مهمی ولی اصل دو مسئله موجب شد در خور فهم و ادراک خود غرضی نکنم یکی روش دمکراتیک حزب که بی‌مه اعلام کرده‌ام که ما بنده آمادگی دارند در بودجه صحبت کنند اطلاع دهند و ایشانکار صرف نظر از محسنات متعدد وسیله ارز باری و تسجیح بیارضی تأثیر عمل دولت حزبی در نمایندگان ملت است که از جزئیات امور محل و نظرات مردم واقفند و ضمن استنادها نیز کشف و در مسیر تکامل گام می‌نهند و خوشبختانه دیدیم عده کثیری داوطلب و آماده بحث در بودجه و تشریح خدمات دولت گردیدند که باقتضای موقع واجب غیبی در قالب واجب گفتنی قرار گرفت و غرضی که عده معدودی اینجا ایراد می‌کنند زبانحال همه نمایندگان و تمام ملت ایران است

بکنند بگویم از صمیم قلب و با نهایت اخلاص عرض می‌کنم تأثیر روش و عمل دولت حزبی حیات خود را در مردم مملکت

دکتر اسفندیاری - آموزگار - ابلغانی - پورمهندس

هرمزاده - پرویزی - دبیب - دکتر رشتی - رضازاده -

گریه خوش سعیدی - سعیدوزیری - شیخ بهائی - صادق سمیعی -

سفیدی زاده - دکتر صدر - دکتر ضیائی - دکتر متین -

معری - دکتر ملکی - باوندوشاهی - پور بابائی

غائبین مریض - آقایان :

ارسنجانی - پاینده - تیمسار وحدانیان - دکتر پرتو

عظم - مهندس جلالی نوری - دکتر خزائی - تیمسار هما یونی

یونس - مهندس زنجانی - سلیمانی کاشانی - دکتر بیکانگی

سعدنی - ظفر - مهندس معتمدی - هورق - دکتر عبد

سعدنی

۲- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون

بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه

دکتر مطرح است آقای روحانی بعنوان موافق صحبت

زندگی میکنند. مردمی که در فردوس و بساط و پشت بام کج
جناب آقای مصطفوی میگویند که بند کجاست (مصطفوی -
صحیح است) چرا برای آنکه میبینند گذشته را هم بدیده بخیر
می آورند.

اجازه فرمائید از کارهایی که میشود نیز نمونه های
ذکر کنیم. خلق آبادیات و آثار که جمع آوری کرده در یکسال
و چند ماهی که از رجوع امر عمران روستاها بوزارت آبادانی
و مسکن میگردد ۲۹۲ پرونده عمرانی در روستاهای کشور شروع
شده که برخی خاتمه یافته و بعضی در دست اجراست هر چند این
پرونده ها در حدود ۱۱۰ میلیون ریال است که ۵۳٪ طرح اولی کشی
و نامین آب ۹۲۹ طرح بهداشتی ۵۰ طرح حفاظتی مانند بل و سیل
بند و سد که ۸۵ مکار غیر بزمن آقای ابودردان مطلب اهمیت زیادی
میدهند ۳۱ پرونده برق و ۳۳۵ بنای آموزشی ۶۶ ساختمان متفرقه
دولتی و ۲۰۰ کیلومتر راه ساختند ملاحظه فرمائید رقم نامین آب
امور بهداشتی که در سلامت مردم تأثیر کلی دارد و همچنین
اینده فرهنگی بیش از سایر برنامه ها مورد توجه قرار گرفته
است و گویای این اصل است که سلامت جسم و تکامل فکری
و اخلاقی مردم روستا شایسته توجه میشود و آنان نیز اهمیت این
امور را دریافته اند.

در شهر های کشور نیز تهیه وسیله وزارت آبادانی و
مسکن ۱۲۵ پرونده برق ۸۷ بنای آموزشی ۲۹ پرونده سفالت
و جویان سازی ۳۵۳ پرونده آبیه دولتی ۱۹ پرونده خانه سازی
شروع گردیده که برخی خاتمه یافته و بعضی در دست اقدام
است از ۱۹ پرونده خانه سازی مثلا خانه سازی در مین
زلزله زده بت پرونده باقری بصد آبار نمان ارزاقیمت و
ارزان اجاره در نازی آباد و ۲۰ واحد مسکونی در خانه ماشین
سازی اراک هر کدام بت پرونده بحساب آمده است و اعتباری
که برای این امور مصرف نامین شده قریب ۳۱۵۴ میلیون ریال است
در مراکز استانها و فرمانداریهای کل دفتر قسی تأسیس شده و
بمنظور امکان سرعت سرکشی برنامه ها و تسهیل مراجعه مردم
و سازمانهای کشور را به منطقه تقسیم کرده اند که در هر یک از این
مناطق نیز مأمورین فنی و مهندسی در رشته های مختلف دارند
تأثیر اجرای این پرونده ها از لحاظ تقسیم اعتبارات در سطح
کشور از نظر اقتصادی و از لحاظ تربیت افراد فنی در رشته های
گوناگون در شهرها و روستاها و بالاخره ایجاد واحدهای نمونه
که مردم نیز میتوانند در آنها خصوصی سرمشق بگیرند بسیار
ارزنده و مفید میباشد در همین حال جوانان تحصیل کرده با آنکه

است که در خارج از کشور با وجود آنکه برای آنها در این زمینه
است و حواس و اعصاب میکنند و
پروژه های مهمی که در قریب هشتاد سال از
شش میگذرد در دست است و این را بهایس و برود در واقع
وسط شهری است و سنگی هر چند خرد است ایم تا چکداری
شهرت و بر غیر شعری سرورده است سخای وسیله مسافر برای
سجده فرسوده چنانکه سوخت قدیمی دارد و در آن گوشه
دور شده سرگرمی هم فرغش است خواندن است تاریخ
تشریح و در فنی زده از هر صفحه نکات زشت و زیبا را برگزیده
و در این سده خود شعر آورده و تشدید گرفته بود که در هیچ
دور ای کشور باستانی حاجین روزهائی بخود ندیده و بخاست
گفته شود تاچ کین از آنکه بر سر شاهای چنین بزرگ قرار
گیرند قریب هفتاد است و بدین سبب است که سحر اشیا در دور هم
گرد آمده آقای شاد حسین حسن و سرور دارم و بیاس منبت
ورده ای که در یادها که هستند.

بکنه دیگر اینکه در شهرهای ایران هم هست که برای بار
دیده شهرها را محبوب و بهر سان قدم به سر و چشم ما فردوسی هر
سپیدما و مناجوز زیکاست از کوجه و خدایان و خاندان مدرسه
و اینها در استان پیدا می شود و مکرر در مقامات مختلف صحبت
فرموده است یکی از روحانیون حسین عرض کرده شاهنشاه
توجه در تاریخ خوانده و در دوران خود بیاداریم در کشور
پیدا و در استانهای محلی بسیار اتفاق افتاده که سبب
در این مورد نفیست نفوس شیوع بسیار با وفور و فاقه شده
است و در دوران سلطنت شامت که خود و شهبانوی محبوب
دور و روزهای حدوده سیر یافته اند و همگین ام ملکوتی همه
جز حجت ما هر چه یاد و امروز نیز از شهر زیبای فردوس
قدیمه حسن و شاد که در دهگویی خود ملاحظه میفرمائید
از دید هم نمیند که چگونه در گذشته نزدیک نزدیک
مشهد و تهران در تربیت و ترویج و قزوین که آبادتر و نزدیکتر
است که در زلزله شد هفت دوست آباد محمد آباد در همین
ردیاهی و بیرون آمدن اما آنچه در بره مردم منطقه زلزله زده
جنوب خراسان است و شرفه دارم وسط کویر عمل
است و امروز ملاحظه میفرمائید در آنجا نبود و نشد
حرکتی است که دولت خدمتگزار هوشیار و محسن نظرات
خوبه به دست آورده است و در سابق و سینه اجرا میکنند
است هر مردم هم مردمیکه در طبق مملکت و وسط کویر

امکان خدمت برای کشور خود بدست می آورند زندگی مرفه
بیز دارند.

بنده وقتی می بینم چند نفر مهندس جوان در زمستان
سخت و طولانی سال گذشته با تحمل شرایط بسیار سخت و
بمتناسب زندگی در مناطق زلزله زده بعد از روزی ۱۶ ساعت
کار و آخر شب عده ای جوان را که تحصیلات دبیرستانی دارند در
خاورها جمع کرده و با نان ترسیم نقشه های ساختمانی، طرز
حساب کردن و اندازه گیری و فنون ساختمانی و غیره می آموزند
آنها در آتیه هر کجا باشند افرادی مفید و ارزنده با آرند
این تحول عظیم فکری و عشق و علاقه و ایمان بخدمتگزاری
که در افراد مملکت و خاصه نسل جوان بوجود آمده بدیده
احترام می نگرم و تجلیل می کنم.

سند دیگری برای این ادعا ارائه میدهم و آن پیام
یکی از خدمتگزاران بهمکاران خود میباشد که مینویسد همکار
بزرگ چگونه میتوان این حقیقت را کتمان کرد که اراده
غلابی، فکر روشن و کار مداوم تو در یکسال گذشته چهار
ساخته این استان را در گرو ساخت هر دهکده ای آب
که بد برای گماهی استوارتر بوده بآبای گر آید. کوردکان زرد
خیره روستا نشین، مادران زحمتکش و بداران آفتاب سوخته
این استان به یمن رحمت انقلاب و زحمت تو آسودگی خاطر
گرفتند و بر خدمات تو لاج نهادند چه افتخار مسرت بخشی.

کدون در آستان سالگرد خدیبد انقلاب شاه و مردم سخن
بزم نه از گذشته قابل تکرار است این آیه را بسام، در
خوبش تکرار کنیم که (هر مرد روستائی و هر کودک نوپای
شیری چشم به حرکت تو دوخته است) حسین گوشافر. نویسنده
بن مطالب حسین گوشافر. مدیر کل آبادانی و مسکن
استان ساحلی است که بنده ایشان را ندیده و نمیشناسم
م برای او احترام و ارزش قائلم ضمیمه این
گوش از انجام ۱۵۷ طرح عمرانی در آن استان
بدهمکنند و نوشته است ۲۲۸ طرح دیگر تهیه و تصویب شده و
مبدا راست آنرا هم اجرا کند. اجرای این طرحها و طرحهای
شهری دیگر است که بندرعباس و سایر بنادر و شهرهای ساحلی
حیو ما را محل تفرج و تفریح همسایه های مافوق داده و از
سختی کشور هم برای گردش و تماشا میروند و حال اینکه
بندی نگاه آنچنان ویران و خالی از سکنه و امکانات
رسانی بود که بشعید که فرار داده بودند اما امروز آنجا همه

جای کشور ما گلستان است و بحمدالله چنان مردم با اطمینان
و امید آ آینده کار و کوشش میکنند و آنچنان مومنیات خدمت
و فعالیت فراهم گردیده و سطح دانش و فرهنگ ما پیشرفت
کرده که بحمدالله نه تبعیدی داریم و نه احتیاجی به تبعیدگاه
در مسئله واگذاری کار مردم ب مردم دولت انقلابی و
حزبی هویدا نیز کمال علاقه و اهتمام را نشان داده است پس
از اصلاح قانون انتخابات و شهرداریها انتخابات انجمن شهر
در شهرهای مراکز استان شهرستان و شهرهای بیش از ده هزار
نفر در کمال آزادی و دقت چنانکه مردم نمایندگان مورد
علاقه خود را انتخاب کنند انجام داد ولی باین کار اکتفا نکرد
و چنانکه استحضار دارید بانسکیل کنفرانسهایی از رؤسای
انجمن و شهرداران آنرا با اهمیت و طایف و تکالیفی که
متناسب با دوران انقلاب دارند واقف نمودند و برای اینکه
شهرداران و مأموران شهرداری نیز کارداران و کارآموزده باشند
کلاسها و دوره های کارآموزی و کنفرانسهای استانی مرتب
تشکیل شده و فطمانه ها و گزارشهای بابان این کنفرانسها
خاکبست چه تحول فکری بوجود آمده است و دیگر خاضرات
ناگوار سابق از انجمنها و شهرداران انتخابی از یاد میرود و
امروز سابقه خدمتگزاری بیشتر مشهود است تا تحصیل مقام و
پا جلب منافع شخصی در کنفرانس اخیر شهرداران و رؤسای
انجمن ملاحظه فرمودید تقاضای اجرای قانون نوسازی در
شهرها میشود این همان قانون نوسازی است که موقع طرح آن
در مجلس در همین تهران پیشرفته و مترقی چه غوغائی بود و
چه اعتراضات و ایراداتی میکردند این است تأثیر برنامه و
کار صحیح وزارت کشور نیز کار دفرنی اداره شهرداریها در
همرکز تکفیل و تقویت کرده و در مراکز استان سازی و
فرمانداری کل دفاتر فنی تأسیس گردیده که در تهیه طرحها و
نقشه ها و کارهای عمرانی شهرداریها کمک و راهنمایی کنند
دیگر نه کاری سالها بناخبر آفتدو نه غلط کاری بشود و یا مسئولیتها
لوٹ گردد و سید این دفتر فنی تاکنون ۱۲ طرح جامع شهرها
تکمیل و ۱۷ طرح دیگر تهیه شده است و اینکار ادامه خواهد
یافت و در آتیه وضع شهرهای ما چنین باشد.

از استانیداران و فرمانداران کل کنفرانسهایی در مرکز
تشکیل شده و میشود که مسائل و مشکلات را مطرح و از
سیاست و برنامه های دولت و امکانات مملکت بوجه امور
واقف شوند و هر یک در استان خود نیز مرکز چنین کنفرانسهایی

داشته باشند در مورد مبارزه با بیماری با یکدیگر هم عقیده هستند. آقای عباس میرزائی اگر اجازه میفرمائید ادامه بدهم (عباس میرزائی - من حکاره هشتم شما برای مجلس صحبت می کنید) جناب عالی اگر باین موضوع اترسه هستید نمیدانم (عباس میرزائی - اترسه چیست فارسی بگوئید) در تمام مظاهر زندگی ممکنست ما خود را قانع سازیم مثلاً بگوئیم فعلاً آسمان خراش لازم نداریم از خوردن عالیترین غذاهای ولی ما صرف نظر کنیم، بهترین لباسها را بپوشیم ولی هیچ فردی را نمیتوان یافت که آرزو نکند که از بهترین و وسائل پزشکی و درمانی و طبیب و پرستار و غیره برخوردار باشد.

همگی طالب عالیترین و پیشرفته ترین وسائل و خدمات پزشکی هستیم و شاید بهمین دلیل است که اغلب اشخاصی که مریض می شوند و استطاعت مالی دارند یا حتی امکان تهیه پولی را دارند برای معالجه راه مسافرت بخارج را پیش میگیرند بدون شك همه ما تشنه اصلاحات همه جانبه در امور پزشکی و بهداشتی هستیم و همه آرزو داریم هر چه زوتر وضع طبابت و بهداشت ما در شمار پیشرفته ترین ممالک مترقی عالم قرار گیرد بنابراین با حق میدهید که تا رسیدن به هدف نهائی و کمال مطلوب معایب و نواقص و مشکلاتی را که مشاهده می کنیم بیان داریم و متفقاً راه و چاره پیدا کنیم

عرض کردم متفقاً زیرا ما عقیده داریم که رسیدن باین هدف و ضیفه هر ایرانی است و اقلیت و اکثریت بطور تساوی در آن سهیمند (صحیح است) مادر راه نیل باین هدف مطالعاتی نموده و با گروه های کثیری از همکاران و مقامات پزشکی و سایر طبقات مردم تماس حاصل کرده و اطلاعاتی بدست آورده ایم که رئیس مطالب را در اختیار میگذاریم باشد که مورد توجه و عنایت قرار گیرد و از این راه قدمی در نیل به مقصود به پیش گذارده باشیم بازم تکرار می کنم که تا بحال کارهای مثبت و اصولی زیاد صورت گرفته است ولی ما همیشه طالب بهترین و کاملترین آنها هستیم و برای آن تلاش می کنیم

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند بجائی رسیده اند اینک با در نظر گرفتن مقتضیات و شرایط کمونی کشور و موقعیت ممتاز جهانی خود معتقدیم که اگر به بعضی از توصیه هایی که عرض می رسد توجه بیشتری بشود نتیجه گیری

قطعاً تر و حتمی تر و گسترش بر نامه های رفاه اجتماعی سریعتر صورت خواهد گرفت من بمنظور این که نتیجه گیری بهتری بشود بحث خود را از صورت سخنرانی خارج ساختم و مطالب را بصورت چند سؤال ساده مطرح نموده تا بررسی و پاسخ با آنها ساده تر باشد اعتیاد نا گفته بیداست یکی از مهمترین مسئله روز در امور بهداشتی مسئله بفریح اعتیاد مواد مخدر است همه میدانیم اگر در راه مبارزه با این بالای خانها نوساز کوچکی تر بی دقتی بشود سر نوشت کشور ما و هستی جوانان و فرزندان فرد فرد ما را در خطر می اندازد مسئله اعتیاد برای عموم ملل عالم يك عصبیت ملی است و ضیفه همه ما است که در راه مبارزه با آن سهمی داشته باشیم و تشریک مساعی صمیمانه و دلپوزانه بنمائیم خوشبختانه قوانین منطقی و بجای اخیر و نحوه اجرای آن بسیار موفقیت آمیز بوده و بطور جالب با قاچاق مبارزه شده است و همچنین بر نامه توزیع سهمیه مجاز بسیار عالی و بمورد بوده است ولی نکاتی هست که باید مورد مذاقه قرار گیرد مثلاً در مان معناتان اولاً معناتان باید طبقه بندی شوند

۱ - اشخاصی که بیمار روانی هستند از این مواد استفاده می کنند

۲ - اشخاصی که بیمارهای عضوی دارند و بجای معالجه اساسی از مواد مخدر استفاده می کنند و معنات می شوند

۳ - اشخاصی که برای تفریح مواد را استعمال میکنند و بعد معنات و دچار امراض روحی میشوند و نظائر آن از این گذشته انواع واقسام اعتیادات داریم. بعضی هاتریاک می خورند بعضی ها می کشند - بعضی ها مرفین و یا ترکیبات آن را میزنند یا می کشند در اینجا ملاحظاتی از نام بردن از انواع مواد خودداری می کنم

خوشبختانه تعداد مواد و نحوه استعمال آنها در کشور ما از اروپا و امریکه محدودتر است (دکتر بیت منصور - خیلی کمتر است) مبتلایان اغلب مخفیانه مصرف میکنند از طرفی همه مبتلایان آنهایی نیستند که به بیمارستانهای معناتین مراجعه می کنند گروه کثیری به مطب پزشکان خصوصی مراجعه می کنند زیرا مایلند محرمانه معالجه شوند پس لازم است کلیه پزشکان همانطور که معالجه امراض دیگر را میدهند معالجه دقیق و کامل این اعتیادات گوناگون را نیز بدانند تا بتوانند در عداد سربازان مبارزه با این مواد بخوبی جهاد

کند اطلاعات پزشکان ما حداکثر میزان کتب اروپائی و امریکائی است اطلاعات بومی و محلی در این کتابها وجود ندارد مثلاً از معروفترین کتب در مان جهان «کارنت تراپی» است که سخنی در این زمینه در آن در برده نمیشود - این است مشکل عمده و راه حل می خواهد وزارت بهداشتی درباره امراض مختلف اطلاعات و روش درمان در اختیار پزشکان می گذارد در مورد در مان معناتان نیز باید اقدام به چنین کاری بنمائید اینچاست که يك سؤال بنظر میرسد آیا هیئت علمی مسئول و مرجع صلاحیت دار رسمی برای تحقیقات و بررسیها درباره در مان معناتان وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد بیان کار آنها چه بوده است؟

بنا بر مجموعه مدون و جزوه های راهنما که تصویب این هیئت رسیده باشد و حاوی کلیه اطلاعات برای پزشکان است در دسترس آنها قرار گرفته است یا نه؟

در مان بیماران و مبتلایان سرپائی مشکل و اغلبی نتیجه است بهترین روش پیشنهادی سازمانهای معروف جهان بستری کردن است زیرا پس از معالجه یکماهه برای ترک اعتیاد معمولاً چندین ماه روان درمانی لازم است و در اغلب موارد در مان تکمیلی ضرورت پیدا می کند که مستلزم داشتن اردوگاههای مخصوص است که در آنجا اغلب مشاغل هم برای مبتلایان در نظر گرفته می شود بنور خلاصه در مانها تا بی گیر نباشند نتیجه مثبت نخواهند داد بنابراین نیاز به بناگاهها و آسایشگاههایی برای علیان و مبتلایان داریم

در حال حاضر ما در حدود ۶۰۰ تخت خواب در سراسر کشور برای این نوع مبتلایان در اختیار داریم اگر فرض کنیم که ۳۰۰۰۰۰ مبتلاداشته باشیم که بنده تصور میکنم رقم از این هم متأسفانه بالاتر است و بعداً باین رقم اضافه بشود سی سال طول میکشد که نوبت درمان همه مبتلایان برسد از اینرو ملاحظه میشود که در راه مبارزه و درمان لزوم افزایش بناگاهها جقدر قطعی و حیاتی است در اینجا بررسی بعرض می رسانم لطفاً بفرمائید چه شد که از زمینی که در نارمک برای بیمارستان معناتان در نظر گرفته شده بود صرف نظر شد؟ و بجای آن کوی مکاتب در نظر گرفته شد آیا با علم اینکه آن منطقه آب ندارد تصحیح به احداث بناگرديد (اخلاقی - چاه میزنند) آیا بهتر بود که قبل از شروع ساختمان لافل جاهی می کنند که آب مورد نیاز را تهیه کنند و مجبور نشوند برای ساختمان با تا نگر

آب بیاورند و وجه مبلغ برای تهیه آب پول خرج شده. اگر فرض کنترات چی قرار بود آب خریداری کند چرا این آب را از جاهی که در محل ممکن بود بکنند نخریده و مقداری از این بابت از بیت المال بهدر رفته است (پزشکپور - آقای بر فور چون این آب برای کنتراتچی نان دارد) بلی تصدیق میکنم مطلب دیگر اینست در کشور ما زمین زیاد است و بخصوص در آن مناطق زمین ارزشی ندارد که برای صرفه جویی مجبور باشیم عمارت چند طبقه بسازیم مضافاً اینکه معمولاً آسایشگاهها يك یا دو طبقه بیشتر نباید باشد و عمارت باید گسترده و وسیع باشد و چون نوع آسایشگاه طوری است که عامل وقت برای رساندن بیمار به آنجا مطرح نیست و فوریتی وجود ندارد دور بودن از مرکز شهر بسیار مطلوبتر است علاوه چون عامل روحی این قبیل مبتلایان باید معمولاً در مانده نظر باشد و احتمال سقوط سهوی یا عمدی از طبقات زیاد وجود دارد لذا ساختمان چند طبقه برای این بیماران خلاف عقل سلیم است نکته دیگری که میبایستی رعایت میشد این نوع مرضا باید در محیط نسبتاً گرم بتری شوند و ساختن بنائی باشیسه هائی بزرگ هم بد آسایش مرضا صدمه میزند و این احتمال هست که در موقع بحرانیهای عصبی مریض شیشه ها را بشکند و بخود دستکاه صدمه زند. اصل الهم فالاهم خط فرضی یکی از پزشکان خوش قریحه می گفت اگر از مرکز تهران از شمال بجنوب تصور کنیم که تهران را به دونا حیه شرقی و غربی قسمت کند با کمال تعجب می بینیم که بیمارستانهای تهران بطور غیر طبیعی نباشده است یعنی ۹۰ درصد در قسمت غربی و کمتر از ۱۰ درصد در قسمت شرقی واقع است گویا اصلالفت شرقی نفرین شده است اتفاقاً توسعه آبادانی هم در غرب تهران بیشتر است چرا؟ اگر تصور کنیم که فردی ساکن دوشان تپه بجدهاش با سم یا نفت مسموم شده باشد بخواهد بچه مشرف بموتش راه پست باغشاه به بیمارستان لقمان الدوله برساند با وضع فعلی ترافیک تهران و عدم وسائل لازم چطور میتواند بزندگی فرزندش امیدوار باشد؟

ایا بهتر نبود که بیمارستان شفا را که سالها مردم این نواحی از آن استفاده می کردند و با مخارج هنگفتی تجدید نباشده است مجهز به چندین بخش اورژانس می نمودند و برای معلولین و نوتوانی در محل خوش آب و هوای و بی سرو صداتری ساختمان میکردند بخصوص که این نئوع مراکز

حتماً باید از مرکز شهر دور باشد و در محیط وسیع و مناسب بنا شود.

باز هم اجازه می‌خواهم در این باره سؤالی بنمایم - گروهی که بنیاد این مرکز علمی را اداره کنند چه ضوابطی انتخاب شده اند؟ (دکتر بیت منصور - بهترین افراد آنجا هستند) نکته‌ای که بدترند ولی آیا برای انتخاب این گروه آگهی شده و بیژن شکانی را دوطلب شده اند یا خیر و با مسابقه‌ای از نظر علمی و با افلاک مزایده برای بهترین پیشنهادها ترتیب یافته است یا خیر؟ آقای دکتر افلاک باید ضوابط را رعایت بکنند آگهی بکنند شاید یک اشخاصی پیدا شود که بهتر از آنها باشد و حق از کسی تضییع نشود و غیر از مابقی علمی نحوه و اگذاری یک مکان موقوفه بجهت ترتیب انجام شده است که با موازین حقوقی و شرعی منافات نداشته باشد و عمل خلاف مقررات انجام نشده باشد؟

بنیادست محیط

وزارت بهداشت یک وظیفه مهم داشت که سالم سازی و بهداشت محیط بود - در حدود ۷۰۰ میلیون تومان برای پیاده کردن این طرح در برنامه چهارم منظور شده است وزارت بهداشتی در راه انجام این وظیفه خطیر تشکیلات داد پرسنل کافی ایجاد کرد تجهیزات تهیه دید کلاسهای آموزشی بوجود آورد ادوات و آلات خرید جا و مکان های لازم را در نظر گرفت و پس از آنکه شروع بکار کرد از وزارت مزبور خلع بد شد و این وظیفه وزارت جدیدالتاسیس آبادانی و مسکن محول شد در جواب سئوالی که شد گفته شد این کار مر بوط به مهندسين است نه به پزشكان اینجا نیز چندین سؤال بنظر ميرسد كه به پيد سؤال آن اکتفا می‌کنیم: اگر این سئوالات دقیقاً پاسخ داده نشود مقدار زیادی از مشکلات را حل می‌کند.

۱- آیا در بهداشت محیط و در سالم سازی و ایجاد تأسیسات یعنی مسلخ‌ها مردم شوی خانه‌ها - حمامها توزیع آب سالم و بهداشتی و غیره.

نظارت پزشکی و علمی کامل ضرورت دارد یا نه؟ اگر دارد آیا وزارت آبادانی و مسکن متخصصین کافی را در اختیار دارد؟ آیا تدابیر حتمی کردن آلودگی‌ها و سرایت بیماریها و تحقیق در موجود بودن باکتری‌ها و از بین بردن آنها را هم بعهده مهندسين واگذار کرده است؟

از طرف دیگر آیا آرزو که وزارت بهداشتی این وظیفه را بعهده داشت کار لوله کشی و ساختمان و نظائر آنرا بدکترهای طب و اگذار کرده بودی از متخصصین فن استفاده می‌کرد؟ آیا در موقع تحویل و تحویل هیئت رسیدگی درباره وظایف انجام شده بوسیله مأمورین وزارت بهداشتی چه اظهار نظری کرد؟ آیا همه کارها بخوبی و بی عیب و نقص انجام شده بود یا ایراداتی و احتمالاً حیف و میل هائی شده بود؟

در صورت اول آیا از آنها تقدیر شد؟ یا در صورت دوم از آنها مؤاخذه بعمل آمد؟

پس از همه آنها آنهمه تجهیزات و وسائل و ادوات و آلات آن آموزشگاهها آن پرسنل و تأسیسات عربض و طولی مر بوط با آن رئیس کل مدیر کل و معاون وزیر که متخصص سالم سازی و بهداشت محیط بودند آیا منتقل بوزارت آبادانی و مسکن شدند صورت مجلس و تحویل تدارکاتی که میلیونها قیمت داشت کجاست آیا تصور نمی‌فرمائید که این تحویل و تحول چه وقت زقیمتی را که برای ما از همه با ارزش تر است به بدر داده است.

بنگاه پاستور

بنگاه پاستور یکی از مؤسسات نمونه کشور ما بود و سالیانی متمادی از نظر مراجع علمی دنیا با مؤسسات مشابه

خود که حتی در خود مملکت فرانسه وجود دارد کمترین فرقی نداشت (دکتر بیت منصور - حاله ما ندارد بهتر شده) صحیح می‌فرمائید بهتر شده متأسفانه اخیراً در اثر ضعف مدیریت صحیح در معرض خطر سقوط علمی است آیا ممکن است بیلان کار این مؤسسه را از نظر علمی روشن فرمائید بخصوص که بموازات این مؤسسه ما مؤسسه رازی را داریم که موجب نهایت افتخار و سر بلندی کشور ما شده است ملاحظه می‌فرمائید که ما نظری نداریم آنچه که هست می‌گوئیم اگر هم اشتباه بکنیم بفرمائید قبول می‌کنیم (احسن).

مبارزه با سل

مبارزه با سل درست مثل مبارزه با دشمن است اگر دشمن بکشوری حمله کند و جنگی بوقوع پیوندد آنوقت بیربازان و افسران آزادی عمل داده نشود که هر وقت خواست جنگ برود هر اسلحه کبدش خواست استعمال کند هر ساعتی خواست حمله کند

بهر کس صلاح دید تیر اندازی کند یا به طرف کس خواست حمله کند یقیناً نتیجه جز شکست چیزی نخواهد بود فرائز و شواهد نشان میدهد که در مورد مبارزه با سل ما با چنین موقعیتی روبرو شده ایم (صحیح است) ستاد مرکزی بر همه سربازان میرز حکومت نمی‌کند بین متخصصان اختلاف وجود دارد مقررات واحد و روئین وجود ندارد انجمن مسلولین تشکیلات گوناگون مبارزه با سل هر کدام برنامه و تصمیمات خاص خود دارند (صحیح است) وحدت نظر و هم آهنگی وجود ندارد خلاصه بی هیئت مسئول و صاحب اختیار شایسته وجود ندارد (صحیح است) سؤال در صورتیکه چنین هیئتی وجود دارد برنامه کار چیست این هیئت مسئول صاحب اختیار که بعنوان یک ستاد مرکزی که تمام اقدامات در باره مبارزه با سل را بکنند ساختن تحت یک برنامه خاصی اداره می‌کند از جهت اشخاصی تشکیل شده است

ملی شدن آبها

قانون ملی شدن آبها سه سال پیش تصویب شد در ماده ۵۸-۵۵ صراحت دارد که برای حفظ آبهای رودخانه‌ها و آبهای زیر زمینی و کنترل جدی آب آنها باید شناسنامه تنظیم شود و اقدامات جدی بعمل آید آیا این نامدها تنظیم شده است؟ چه اقدامی برای تهیه شناسنامه رودخانه‌ها شده است.

علت تباهی نسل ماهی چه بوده است؟

برای جلوگیری از ریختن فاضل آب هتلها و متلها و رودخانه‌ها چه اقدامی شده است؟

آیا مسئول صحت و سلامت و نگهداری آب رودخانه‌ها وزارت بهداشتی است؟

دترزانها و انواع بوددهای رخت شویی که در منازل مصرف می‌شود و در جاهای می‌رود قابلیت نفوذ را افزایش میدهد و آلودگی باکتریها و آلودگی‌ها را به آبهای زیر زمینی منتقل می‌سازد و کم کم آبها را غیر سالم می‌نماید از همین حالا باید فکر این مشکل بود (صحیح است) و الا چند سال دیگر خیلی دیر شده است

ضمناً بوزارت اقتصاد توصیه می‌شود که قبل از صدور برونه احداث کارخانجات باید آبها را ملزم نمایند که کارخانه مجیز دستگاههایی باشد که قبل از خروج فاضل آب کارخانه دوزد آن در جاه بارودخانه مواد مضره آنرا بوسیله دستگاه

های مخصوصی جذب نماید که وارد مجاری بازمین و بالتبینه باعث آلودگی آبهای زیر زمینی نگردد. ساهلیات که در مورد آلودگی هوا هم بحث و گفتگو می‌شود خوشبختانه اخیراً شنیده شد که هزار دستگاه از اتوبوسهای شهری را که گازوئیل مصرف می‌کنند می‌خواهند با سوخت گاز بکار بیاورند تا از فکری بسیار خوبی است امیدوارم که در روزی عملی شود از طرف دیگر لوله کشی گاز یعنی قسمت شاه لوله‌ها طبق برنامه سرعت پیشرفت می‌کنند امیدواریم از هم اکنون طرح هائی حاضر و آماده بشود که کلیه وسایطی که سوخت آنها نفت سیاه و گازوئیل است از قبیل کوره‌ها - حمامها - نانوایها و موتور خانه‌های فولد برق و غیره سوخت خود را تبدیل به گاز نمایند که آبها هم هوای آلوده نمانند.

همانطوریکه عرض شد همه میدانیم موضوع پول و اعتبار اگر چه مهم است ولی برای رسیدن بمقصد در درجه دوم اهمیت است چون با یک مدیریت خوب کارها بسیار سریعتر و بهتر انجام می‌شود مدیریت خوب و دلسوز کسی است که قبل از شروع به پیاده کردن یک طرح تمام اطراف و جوانب را در نظر بگیرد و حساب پول و اعتباری را که در اختیارش گذارده اند می‌کند و از حیث و میلها و گشاد بازیها جلوگیری می‌نماید و اتمام یک طرح را برای خود وظیفه میدانند و غم نمی‌توانند در اتمام آنرا نیز باید به حسرت عدم لیافت خود بگذارد نمیدانم چرا ما باید همیشه خود را غفل کل بدانیم و از گرفتن کمک فکری از اهل فن ابا داشته باشیم امیدوارم که خداوند همه ماها توفیق بدهد که در کارها فقط صلاح مملکت را در نظر بگیریم و از زیاده رویها بجزم پزشکی و خود خواهی بی جا بر حذر باشیم در اینجا لازم است مسئله را مطرح کنیم:

یکی از اعمال جراحی که اخیراً آمد شده پیوند قلب است همگی میدانیم که این عمل برای اینکه موقت آمیز باشد باید بوسیله یک اکیب کار آزموده و با وسائل لازم که فوق العاده گران است انجام شود وقتی حساب کنیم می‌بینیم با هزینه یک چنین بیمارستانی در بر خواهد داشت بر احتی می‌توانیم یک بیمارستان مجهز در یک شهر بزرگ یا چند بیمارستان کوچکتر در شهرهای کوچکتر احداث کرده و عدده کثیری را شفا بخشیم (دکتر بیت منصور - هنوز که چنین خرجی نشده) ممکن است بشود و اگر نشده چه بهتر و اگر در کار سرمایه گذاری برای یک چنین کار فتنی هستیم

جناب عالی خودتان هم تصدیق میفرمائید شهرستانی هستند که برای ایجاد بیمارستان باید اولویت با آنها بدهیم حداکثر ظرفیت دانشکده های پزشکی ۶۰۰ نفر دانشجو سالیانه است آنچه می گویند ۷۱۷۸ هزار پزشک داریم پس برای هر ۳ تا ۴ هزار نفر یک پزشک می شود ولی ما مناطقی که قریب صد هزار نفر جمعیت دارند می شناسیم که با این مجاسبه در عوض سی یا چهل پزشک ۳ تا شش پزشک هم ندارند در خودمان را خودمان باید بگوئیم و حتی همانطوریکه در ابتدای عراضم گفتم سؤال میکنم چرا پزشکان ما بولایات نمی روند جواش این است اول بدلیل اینکه وقتی بولایات رفتند بگی فراموش میشوند مطمئن است وقتی بولایات رفت از گردونه خارج شده و کسی فکر او نیست یک دایره ای ، یک مؤسسه ای ، یک دفتری نداریم که حتی ماهیانه ، دو ماه یکبار ، سه ماه یکبار یک بولتن پزشکی برای اینها بفرستد که اینها بکلی از جریان کار خودشان دور نباشند (دکتر بیت منصور - آ بونه بشود هر کجا باشد بفرستند) آ بونه شود ؟ خیلی متشکریم او ترجیح میدهد اینجا باشد و آ بونه نشود و برود از کتابخانه بگیرد . جناب عالی همه چیز را ماشاء الله همینطور ساده حل می کنید . پزشکان ما چرا بولایات نمیروند ؛ یکی از دلایل اینست ، یک دلیل دیگر هم هست که مختص پزشکان نیست و مأمورین دوا بر دولتی ما هم این گرفتاری را دارند برای اینکه یک بدی که دو باسه فرزند دارد اگر باو بگویند که بشهرستانی برود که دبیرستان ندارد این واقعا باکمال میلی که دارد به مملکت خدمت کند از تحصیل بجایش نمی تواند بگذرد . عایدش هم آنقدر زیاد نیست که بتواند یک خانه در تهران داشته باشد و یک خانه در بولایات و این راه حلی هم برای این کار هست و آن اینست که اقلا در مرکز استان ها یک دبیرستان شبانه روزی دایر بشود که این مأموران و این پزشکان بتوانند بجهدای خودشان را باکمال راحتی خیال بدبیرستان نزدیک محل کارشان بفرستند و از آنها مراقبت بکنند و خیالشان هم از طرف آنها راحت باشد ، اغلب پزشکان ما بحق میل دارند پس از کسب درجه دکترا در طب دوره تخصصی به بیسندو این حششان است ما نمیتوانیم اینهارا مجبور کنیم که در یک حدی کار خودشان را متوقف کنند ولی از طرفی احساس می کنیم که پزشک عمومی در سطح مملکت کم داریم چند سال پیش وزارت بهداشتی راه حلی پیدا کرده بود که بیماری

تربیت میکرد و آنها را به نقاطی میفرستاد که اینها اقلا با معلومات مختصری که داشتند اقلا میتوانستند بدر مردم برسند البته این اشکال بود که پس از دوره پنج سالی که تعهد داشتند انجام میدادند آنوقت آنها بر می گشتند و وارد دانشگاه میشدند ولی باز هم این راه حلی بود که یک مدت معینی یک عده از شهرستانها را از می طبیی راحت میکرد خوشختانه الان با وجود سپاه بهداشت مقداری از این معضلات حل شده ولی این راه حل کافی برای همه ناراحتی ها نیست آقا بان اطلاع دارید که در آن محل هائی هم که طبیب داریم اغلب از کمبود دوا در عنرت هستیم و اینچمن بهداشتی مراکز استان و فرمانداریها آنطوری که لازم است دقیق کار نمی کنند برای اینکه پولی هم که سهمیه یک مرکز بخش با یک شهرستان کوچک هست با نجا حواله میشود و بلافاصله با اصلا بطور علی الحساب برای اینها دوا نمی فرستند و این مشکل دوا در مراکز که سازمان خدمات اجتماعی در آنجا درمانگاه ندارد یک مشکل بسیار بزرگی است بنده در اینجا از مدیریت صحیح صحبت کردم برای شاهد مثال یکی از مؤسسات بهداشتی را که عمر خیلی کوتاهی دارد عرض می کنم شش سال پیش در خیابان شباز این مؤسسه هفت یا هشت اتاق در یک ساختمان دو طبقه داشت در اثر دلسوزی و مدیریت صحیح و عطف توجه از طرف رؤسای مافوق و وزارتخانه ای که آن مؤسسه وابسته باوست یک محل بزرگی با چند بنای مجزا در اختیار این مؤسسه گذاشتند مقام محترم ریاست وعده ای از همکاران عزیز در مجلس شورای ملی و سناتور های محترم برای بازدید با نجا تشریف فرما شدند و اظهار رضایت فرمودند در آماری که بنده از این مؤسسه در دست دارم مخارج هر فرد با خانواده اش برای استفاده از طبیب و دارو و بستری کردن در بیمارستان های بخش خصوصی پنجاه تومان در ماه میشود و سالی ۶۰۰ تومان اگر دولت ۴۰۰ هزار نفر کارمند داشته باشد برای این چهار صد هزار نفر در یکسال ۲۴۰ میلیون تومان خرج بکند از نظر طبیب بهترین اطبا را دارد و بهترین دارو ها و تخت در بیمارستانهای خصوصی چیزی که در اینجا قابل ملاحظه است اینست که واقعا چون اکتانها هم مقداری از وقت خودشان را انجام میدهند و به تناسب آن از آن دستگاه حقوق میگیرند دستگاه ۲۴ ساعت

کار می کند بر حسب درجه ای که آن مریض در آن مؤسسه یا وزارتخانه دارد با پرداخت بیست درصد از مخارج کارش بخوبی انجام میشود و بقیه مخارج را دستگاه میپردازد و می توانم بجات قسم بخورم که تمام این اشخاص بقدری از این دستگاه راضی هستند که راندمان کار آن بسیار رضایت بخش است اجازه بدهید نگاه بکنم ببینم آقای عباس میرزائی اینجا باشند ، (عباس میرزائی - بنده اینجا خدمت شما هستم راندمان را که میفرمائید فارسیش را هم بفرمائید) فارسی اش بازده است ، (عباس میرزائی - می بینید چقدر شیرین تر از کلمه راندمان است) (دکتر رهنوردی - این مؤسسه کجاست ؟) مؤسسه بهداشتی برق منطقه ای تهران است (دکتر رهنوردی - خوب است که برق لااقل این یک چیزش خوب است) امیدوارم که خداوند به همه ما توفیق بدهد که با خلوص نیت و با صفا و ضمیمیت این ناری را که در مقابل ملت و در مقابل شاهنشاه بزرگمان بردوش گرفتاریم بسر منزل مقصود برسانیم (احسنت - احسنت) .

رئیس - آقای دکتر میرعلاء بعنوان موافق صحبت می کنند بفرمائید .

دکتر میرعلاء - با اجازه مقام ریاست و همکاران عزیز ، همکار محترم ما جناب آقای پرفسور مخبر فرهمند یک برنامه معضل و مثل همه اساتید بعد از دادند و واقعا از این لحاظ قابل توجه بود . ولیکن بنده تصمیم ندارم و تصمیم نهاییم که جوابگوی صحبت ایشان باشم چون این وظیفه دولت است (احسنت) که به مطالبی که ایشان ایراد کردند جواب بدهد ولی مطالبی فرمودند البته ایشان پرفسور هستند ما هم استاد دانشگاه هستیم ولی از تیر پرفسوری استفاده نمی کنیم ولی میدانم که در قبال این صحبتها بعضی مطالب را واقعا باید گفت ، اگر خاموش بنشینم گناه است بنده پاسخ میگویم یکی موضوع اعتیاد بود که با آن نوع درمان و ایجاد تخت ها و زمانی که برای درمان این بیماران لازم است بنده تقریبا موافق نیستم و این عقیده شخص ایشان است موضوع اعتیاد با این مشکلاتی ها هم نیست و خیلی ساده تر میشود این کارها را حل کرد و فکر نمی کنم در برنامه دولت نباشد یکی هم مسئله بیمارستان شفا بود که صحبتی بجا بود ، بیمارستان شفا البته بیمارستانی بود موقوفه چون خود بنده در این موضوع بقول ایشان اترسه بودم و اینکه چرا یک بیمارستانی در یک محلی که مورد استفاده مردم قرار میگیرد باید تبدیل شود یک وضع دیگری

بنده خودم این موضوع را ایراد گرفتم وقتی بررسی کردیم با جوابی که بنده شنیدم قانع شدم موضوع اینست که یک تشکیلاتی در این مملکت وجود نداشت و ناچار باید اسم فرنکیش را عرض بکنم Rehabilitation یعنی افراد ناتوان و افراد ناقص را بتوان بطوری علاج کرد که . (دکتر رهنوردی - دوباره توان بخشی) (بکنفر از نمایندگان - توان بخشی فارسیش است) می توان لغات مختلفی برایش ذکر کرد ولی مثلا اینکه توان بخشی هم کلمه بدی نیست ، بهر حال مردمی که با یک کمک مختصر میتوانند بزندگی عادی برگردند و از لحاظ اجتماعی سربار جامعه نیستند و میتواند کار کنند ، از لحاظ اقتصادی هم اگر مجاسبه کنیم بسیار ارزنده است و این محل را هم که برای این منظور در نظر گرفتند بسیار خوب است و اشکالی ندارد اگر چنانچه در آن منطقه در آینه ضرورتی داشته باشد بیمارستان دیگری ایجاد بشود ولی جناب آقای پرفسور مخبر فرهمند راجع بدسل فرمودند شما میدانی امروز سل درمان پذیر است و بیماری نیست که امروز کسی از آن بترسد مسائل را نباید اینقدر بزرگ کرد من قبول دارم سازمانهایی باید باشد که هر بیماری مثل رماتیسم ، جذام و انواع اقسام بیماریهای دیگر را حمایت کند و برای درمان آنها انرژی و نیرو مصرف کند برای سل هم سازمانی در مملکت وجود دارد و کار میکند اینطور نمیشود گفت که ما امنیت نداریم و تأمین در مقابل سل نداریم علاوه امروز یک تئوری محکمتری وجود دارد امروز تعداد زیادی از بیماران سلی را در خانه ها درمان میکنند برای اینکه احتیاجی نیست که همه در آسایشگاهها بخوابند و درمان بشوند و امروز بسیاری از ستانوریومها تغییر شکل داده اند و داروهای جدیدی که هشت قلم آنها در سه سال اخیر بیازار آمده که بطور قاطع روی تو بر کلوز مؤثر است چنانچه بعدا عرض خواهم کرد وزارت بهداشتی درواکسیناسیون B.C.G که سازمان بهداشت جهانی توصیه کرد و بطور وسیع در سراسر کشور عمل میشود تقریبا بطور قطع کودکان را واکسینده کرده است و زیاد جای نگرانی نیست از لحاظ مسئله آلودگی آنها که فرمودند من نمیتوانم این را بفهمم که چطور فرض کنید در درواکسیناسیون عمیق آب استفاده میکنند بوجه فاضل آب تهران که در عمق ۱۳۰ متری است آب آجازا آلوده میکند ، راجع به بیوند قلب فرمودند بیوند قلب البته خودتان مسبقا دیده که من جراحی قلب

در این ممالک، زمینها را در اختیار دولت قرار دهد و زمینها را به اجاره بدهد و اجاره را به قیمت نیمی از قیمت تمام شده بدهد و نیمی از آن را به زمینداران بدهد. این کار را در ممالک ایران هم باید کرد. زمینهای ایران را در اختیار دولت قرار دهد و زمینها را به اجاره بدهد و اجاره را به قیمت نیمی از قیمت تمام شده بدهد و نیمی از آن را به زمینداران بدهد. این کار را در ممالک ایران هم باید کرد.

از این منابع استفاده بشود و به مصرف عمران و آبادی مملکت برسد بخصوص در مورد نفت ولی من يك عرضی دارم و آن موضوع معادن سرب مملکت است معادن سرب در همه جای دنیا وجود دارد ولیکن معادنی که در ایران کشف شده معادنی هستند خیلی ارزنده موضوع خود سرب مطرح نیست چون اصولا معدن سرب پیدایش از يك سنگ آهن و ترکیب و امانوهیونهای در يك ادوار بسیار طولانی و ریزیم است و اوزانیوم تبدیل می شود به نئونیوم و بعد ستاله های دیگر پیدای می کند که تقریباً هر مرحله خاصیت و ریزیم را تشکیل میدهد و بالاخره تبدیل به سرب می شود و این معادن خوشبختانه در درجه ای قرار دارند که هنوز سیر تکاملی را دارند و در مراحل اولیه هستند و استعادی دارند که این معادن در آینده جزو سرشارترین منابع ثروت مملکت ما در آیند و خیلی خیلی بیشتر از نفت بامکام کنند چون صنعت دنیا روبه انمی شدن می رود ولی موضوع نیروی انسانی در نیروی انسانی ما میتوانیم يك تساوی جبری قائل شویم نیروی انسانی مساوی است با انسان باافاضه تکامل باافاضه یکپداری و حفظ انسان باافاضه استفاده صحیح از انسان این نیروی انسانی را تشکیل میدهد از لحاظ انسانها جمعیت مملکت ما امروز ۳۰ میلیون نفر است ما ۳۰ میلیون جمعیت داریم که این ۳۰ میلیون نفر باید بیاید و در مرحله تکامل قرار بگیرد این تکامل امروز بعهده دو وزارتخانه گذاشته شده یکی وزارت آموزش و پرورش و یکی وزارت علوم و تعلیمات ملی البته در هر جامعه ای فردی که بدنیا می آید این جامعه منزله يك شرکت سهامی است این فرد با باز کردن چشم خودش در جامعه يك سهم میخورد سهامدار محسوب می شود يك سهم باو تعلق می گیرد يك فرد در ایران وقتی بدنیا می آید يك سهمی دارد که امروز ارزش سهم او را میتوانیم بگوئیم يك سی میلیونیم واحد اجتماع است این شخص در همه جا صاحب سهم حقیقی محسوب می شود در وزارت خارجه دولت آب و برق و در تمام دستگاههای مملکتی در تمام ارجح نجات و غیره لذا باید از چنین سهمی بودی باین فرد منع نگیرد این سود هم باو تعلق می گیرد منتها این سود نباید هم جای دنیا متفاوت است یکی پنج درصد تعلق میگیرد یکی هم ممکن است ۲۵ درصد تعلق بگیرد همین جاست که غالب میگوید که این دو باید بهم نزدیک بشود نه سود

ایران گفته میشود که متمدن ترین سرزمین امریکا است لازم بود تذکر بدیم که اینطور نیست (فرهنگ باستانی این مملکت را عرض نمیکند اگر در باب فرهنگ بخواهید بگوئید من در باب فرهنگ صحبت نمیکند بنده روی تکنولوژی صحبت می کنم بهر حال از لحاظ يك مقایسه باین موضوع توجه بکنیم و امروز این نکته را باز باید توجه کنیم که جمعیت مملکت ما با يك ضرب ۲/۷ درصد در سال رو فزونی است و شما حساب کنید که ۳۰ میلیون جمعیت اگر در حال حاضر باشد ضرب ۲/۷ درصد قریب ۷۰۰ هزار نفر می شود اگر امروز ۷۰۰ هزار نفر کودک ما داشته باشیم ۶ سال دیگر ۷۰۰ هزار کودک جدید بدستان میروند به پیشد چه وظیفه سنگینی وزارت آموزش و پرورش بعهده دارد برای اینکه خودش را تطبیق بدهد با يك چنین ازدادی در يك سطح برانگیزه (صحیح است) ولیکن امروز ما سازمانهایی داریم که با بنکار کم می کنند تشکیلات خود وزارت آموزش و پرورش هست سپاهیان دانش افراد بیکار با بیسوادی سازمان های خصوصی بخصوص در شهرهای بزرگ و تهران که امروز بیاری وزارت آموزش و پرورش آمده و در اینها کمک مؤثری می کنند ولی نگفته اند که ما این ترزا قبول داریم که این فردی که در این کشور بوجود آمده باید تا زمانی که روی پای خود می ایستد و میتواند خواندن و نوشتن را بیاموزد و اظهار حیت کند باید تعلیمات او بطور اجباری به توسط دولت انجام بشود و برای اینکه البته طرح ها و برنامه هایی وجود دارد و زمان میخواهد ما امیدواریم با زمانی کمتر باین حد نهائی زودتر برسیم ولی در سطح متوسطه شکی نیست که باید فشار را روی دستگاهها و مؤسسات خصوصی گذاشت بخصوص برای مدارس حرفه ای امروز ما در حدود هشتصد هزار نفر دانش آموز در سطح متوسطه داریم ۱۲۶۰۰ دانش آموز در مدارس حرفه ای اگر چنانچه روی این تئوری بیش برویم که ۸۰ درصد این احتیاجات بوسیله بخش خصوصی تأمین شود و ۲۰ درصد به عهده وزارت آموزش و پرورش باشد کمک مؤثری است و از طرف دیگر برای رسیدن باین هدف بنده يك پیشنهادی دارم و آن این است ما هر چند در امر تعلیم و تربیت در مملکت سرمایه گذاری بکنیم چیزی کم نمی کنیم و امروز که توجه خاصی به صنعت و توسعه صنعتی در مملکت می شود که باید

هم بشود موازات این امر ما باید با مشکل جمعیت در راه آموزش و پرورش و تربیت (انسانها و نیروی انسانی سرمایه گذاری کنیم اگر امروز اقدام شود يك بانکی نظیر بانك توسعه صنعتی بانك توسعه آموزشی تأسیس بشود و کسانی که امروز در بخش خصوصی فعالیت می کنند در این زمینه سهامدار بشوند و سهام بخردند سازمان برنامه هم سرمایه گذاری کنونی بگردد هم سرمایه گذاری کنند بخوبی میتوان از این بانك و امهائی طویل المدت به افراد داد که برای ساختن مدارس متوسطه و یا مدارس حرفه ای در سطح متوسطه و عالی مصرف کنند و در ضمن از شهریه مدارس هم میتوانند کم کنند بنده توجه دولت را باین موضوع جلب می کنم ولی در سطح دانشگاهها امروز ۵۰ هزار دانشجو در مملکت ما در دانشگاههای ما تحصیل نکنند البته این نسبت را نمیخواهم بگویم ایده آل است باید روجه افزایش برود روی محاسبات دقیق روی احتیاجات مملکتی افزایش پیدا کند تا ما کاملاً بی نیاز از فرستادن محصلین خودمان بخارج باشیم ولی وزارت علوم از نظر سیاست و روش کار خودش باین شکل امروز عمل میکند که سیاست مستقل دانشگاهی را تقویت میکند با ایجاد هیئت های اماناء و واگذاری تمام امور دانشگاهی بدست دانشگاه در این راه دانشگاهها را تقویت میکند در اینجا فقط يك نگرانی بیش می آید که آیا ممکن است روزی باین ترتیب دانشگاههایی داشته باشیم که در سطوح مختلف قرار بگیرند و فارغ التحصیلانی بیادند که اینها در معلومات در سطحهای مختلف واقع بشوند این فلسفه هم خوشبختانه بر طرف شده و با ایجاد شورای عالی آموزش کشور که طرح برنامه ریزی کلی مملکتی را به بهمدارند شورای هماهنگی دانشگاهها که موظف است تمام دانشگاهها را هماهنگ کند و اگر باین دوسال زمان که انشاء الله وظیفه خودشان را خوبی انجام بدهند این نگرانی که ما از این سیاست داشتیم مرتفع میشود در موضوع نگهداری و سلامت انسانها اینجا مسئله بهداشت و درمان میان می آید و از لحاظ بهداشت محیط، تعمیم بهداشت افرادی و اجتماعی افراد، بهداشت تنظیم خانواده و مادر و کودک پیشگیری بیماریها و مبارزه با اعتیادات و عادات مضر از نظر بهداشت محیط ما احتیاج زیادی در سطح روستاها داریم که از این لحاظ مهندسين بهداشت در سطح روستاها عمل میکنند

و میدانیم که مهندس بهداشت مدت زیادی تحت نظر وزارت بهداشتی عمل میکرد و امروز برای اینکه وزارت آبادانی و مسکن وظایفی بعهده دارد در این زمینه با داده شده بهر حال یکی از کارهای عمده ای که بوسیله این تشکیلات انجام میشود بهداشتی کردن دهات از نظر منازل از لحاظ حمام و از لحاظ ضد عفونی کردن و تعلیم و تربیتی است که با فرامیدهند برای اینکه چه جور باید زندگی کنند در اینجا باید از سپاهیان بهداشت و بخصوص سپاهیان دیگر که در این زمینه سهم و شریک هستند یاد کرد امروز که ۸۵۰۰ سپاهی انقلاب مادر سراسر مملکت خدمت میکنند این سپاهیان چه سپاهیان ترویج چه سپاهیان دانش و چه بهداشت همه در این امر شریک و سببیم هستند و همه کمک مؤثری سپاهیان انجام میدهند و اما موضوع پیشگیری در مورد پیشگیری مهمترین عامل و اکسیناسیون است امروز و اکسیناسیون در سرجات، آبله، دیفتری، فلج اطفال و کزاز و ب، ث، ث برای توبرکلوز (سل) تقریباً در سراسر مملکت عملی شده و مناطقی که در سرجد واقع شده و احتمال بروز و با وجود دارد بطور کامل بر ضد وبا و اکسینه شده اند و رو به مر فته ۲۰ میلیون نفر از اکسیناسیون برخوردار شده اند اینجا نکته ای که مهم است مبارزه با مالاریا است که متأسفانه بعلت مقاومت شدن بعضی از این بشده مجدداً مبارزه با مالاریا خوشبختانه بموقع شروع شد و ۳۹ هزار آبادی را در سال گذشته وزارت بهداشتی بر ضد مالاریا سمپاشی کرده و مبارزه کرده است موضوع دیگر موضوع بهداشت و تنظیم خانواده و مادر و کودک است البته دولت این موضوع را با توسعه بهداشت جهانی شروع کرده و در وهله اول چنین وانمود میکند که منظور از جلوگیری از دیباید نسل است در حالیکه همین منظوری وجود ندارد بلکه بهداشت خانواده که امروز ما آن را بنام واحد تنظیم بهداشت خانواده و مادر و کودک مینامیم بعهده مراکز است که در سراسر مملکت وجود دارد و وظیفه این مراکز عبارت است از ارشاد خانواده ها از نظر بهداشتی و از نظر نگهداری کودک و تعلیمات مادر و همچنین از نظر تنظیم افراد يك خانواده که واقفاناً بطوریکه در طبقه تیکه کثیر الاولاد هستند استعمال شده که باعث تشویق وزارت بهداشتی و فعالیت در این زمینه گردیده است و این موضوع را باید متوجه شد که اگر فردی در مملکت بدون توجه بوضع اقتصادی بدون توجه با معائنی که دارند دارای تعداد زیادی فرزند بشوند (بکنفر از

نماینندگان - باید جا بزده بگیرند) ولی این يك پروبلم يك مشكلی برای خودشان ایجاد میکند که باید حتماً بداد اینها برسیم و باید يك تعدیل و تقابلی در تعداد آنها بعمل بیآوریم. موضوع دیگر موضوع مبارزه با مواد مخدره است بخصوص تریاك و هرئوئین روزی در این مملکت برای جلوگیری از این امر قانونی گذشت که کشت خشخاش ممنوع شد حقه های وافور شکست البته این اثر خیلی شدیدی کرد و تعداد زیادی معتاد را تقریباً از بین برد و موضوع مهم اینستکه من بخوبی بیاد دارم که در بیرجند و قاینات که وقتی در سال ۱۳۴۲ بنده بآن نقاط میرفتم چیزی که جالب بود برای من این بود که در این شهرهای خراسان در ضمن راه میدیدم که تعداد زیادی درخه ما اند وجود دارد و همه اینها شیره کش خانه بود بنده آنجا را آنجا دیدم عرض نمیکند حتماً جاهای دیگر هم بودند زن و مرد در آنجا از يك تسای بر خوردار بودند همه دراز کشیده بودند و سوخته تریاك را میکشیدند حتی بجهائی که وجود داشتند آلوده میشدند آن عمل البته يك عمل بیجائی بود و امروز برای ما و یکی از افتخارات ما تصویب قانونی است بنام تشدید مجازات و برای افرادی است که قاچاق مواد مخدره را میکنند و خود سبب اعتیاد هستند بنده يك مثال میزنم بطور مختصر و زیاد در این باره بحث نمیکند ولی چون برای من خیلی جالب بود عرض میکنم بعضی خیلی روشنفکر ولی معتاد به تریاك بود و علتش این بود که آخرین دو پوئین و بیماری قلبی شدیدی داشت و این موضوع باو کمک میکرد و آدم نمیتوانست قبول بکند این شخص تریاك را از راه قاچاق تهیه میکرد من از او آنوقتها سؤال میکردم که تریاك را از کجا میآوری و مصرف میکنی گفت میآورند در منزل میدهند مثالی هم دوست تومان (بکنفر از نمایندگان - گران میدهند حتماً سیری دوست تومان بوده) بلی شاید سیری دوست تومان بود نمیدانم چقدر میگیرند این پروبلم و مسئله ای برای او نبود پس از اینکه این قانون در مجلس مطرح شد دیگر در منزل این شخص تریاك را نمیآوردند و باو گفته بودند تریاك را باید بیائی و بیرون از منزل بگیری و طریقه ای که این شخص تریاك را میگرفت جالب بود يك دستمالی باو داده بودند که دورش حاشیه قرمز داشت این دستمال را بمن نشان داد

و گفت این دستمال را در میدان تجریش میبردم و می‌استادم و دستم میگرفتم يك مدنی نگاه می‌کردم يك مدنی که میگذاشت يك اتومبیل خیلی شیک می‌آمد و يك خانمی پشت رل نشسته بود و میگفت شهرت شریف می‌برد می‌گفتم بلی میگفت بفرمائید (رامبد - اسرار مردم را فاش نکنید) (خنده نمایندگان)

من اسم آن شخص را نبردم و جزء اسرار هم نیست و در راه بول را میگرفت و تریاک را باو میداد بعد بمحض اینکه او این دسته قاچاقچیان اعدام شدند گفت هر چه دستمال بدست گرفتم اثری از آثار اتومبیل ندیدم بالاخره بادستبانی که بنظر می‌آورد داشتم سعی می‌کردم که تریاک بدست بیورم گفتم بالاخره چه شد گفت آن شخص که برای من تریاک می‌آورد گفت آن کسی بود که دازای میلیارد ها ثروت بوده که از همین راه بدست آورده بود و در حدود ۷۰ کامیون دیزل در حال حاضر داشت که در مملکت کار میکرده و مقدار زیادی قاچاق تریاک این مملکت را او میکرده است (بکنفر از نمایندگان - بالاخره انشاءاله گیر افتاده) توجه بفرمائید بمحض اینکه قانون اجرا میشود اینجا بنکنه هم است که قانون باید خوب اجرا بشود وقتی قانون اجرا میشود فرمان میدهد که هر کس و هر گاه یونی در هر جا هر چند تریاک دارد مال خودش من نمیخواهم اسم مرا هم فراموش کنید لذا تمام این باند قوی از هم میپاشد ببینید (رامبد - حضرت تعالی برای همکاری با مأمورین آنها را مطلع کنید که مراقب باشند و دیگر کتمان نفرمائید) خاطر جمع باشید (رامبد - در اختفای همکاری نکنید) از این لحاظ مطمئن باشید ما در این راه از شما دلسوزتر هستیم چون با این موضوع سروکار داریم و جنابعالی سروکار ندارید (رامبد - من ادعائی نکردم) (خنده نمایندگان) عرض کنم ولی از لحاظ درمان البته شکی نیست که ما باید راه درازی را ببیم تا از نظر درمان بوضع ایده‌آلی برسیم و امروز تشکیلات بسیار وسیعی که اگر بودجه آنها حساب کنید چهارده درصد بودجه دولت را تشکیل میدهد و معادل آن خواهد بود که صرف درمان و بهداشت مملکت میشود در اینجا ... (بزشکپور - جنابعالی که واردید بفرمائید در نهران چند بیمارستان برای معالجه معتادین وجود دارد؟) عرض کردم احتیاج باین نیست که برای معتادین بیمارستان ساخته شود (بزشکپور - بفرمائید

وقتی بطری تمام آب شد آنها ترك تریاک پیدا کرده این‌ها بروی نمی‌نست مسائل را وقتی بزرگ میکنیم طبیعتاً يك توهمانی بوجود می‌آید از لحاظ درمان امروز سببها این دانشگاهها بود که سال ۶۵۰ بزشک از مدارس خودمان از دانشگاههای خودمان فارغ التحصیل میشوند و قریب پنجاه و شصت تا هم از خارج هر سال با اینها اضافه میشوند تشکیلات و سازمانهای شاهنشاهی خدمات اجتماعی و در شهر بخصوص شیر و خورشید و در مانگاها و پستهای سیار که بوسیله وزارت بهداشت در سطح روستاها از يك سال با نظر شروع فعالیت کرده و بسیار خدمات خوبی انجام میدهد نكنه مهم اینجا است که دولت باین امر توجه کرده که مسئله بهداشت و مسأله درمان دو موضوع بسیار مهم هستند و باید از هم جدا بشوند و امیدواریم که دولت لایحه وزارت بهداشت را به مجلس شورای ملی تقدیم بکند و کارهای درمانی را بدست مردم بسپارد و روی همین اصل هم هست که می‌بینیم مقداری از این دستگاهها به شیر و خورشید سرخ واگذار شده برای اینکه شیر و خورشید هم مؤسسه‌ای است که بدست مردم اداره میشود (صحیح است) و بخصوص در این مورد بخش خصوصی میان می‌آیند و بخش خصوصی هم فعالیت خودش را در قبال وظایف درمانی انجام میدهد و انجام داده (رامبد - از وظیفه بخش خصوصی در درمان هم کلمه ای بفرمائید) عرض میکنم (رامبد - شرکای پزشکیانها را هم بفرمائید و سران را بالاتر بگیرد) بنده سرم را بالانگه میدارم چه دلیلی دارد باین نگهدارم چه فرقی باشما دارم عرض کنم راجع به آنچه فرمودید اگر هزینه بیمارستانهای خصوصی را حساب کنید اولاً همه بیمارستانهای خصوصی همه بکجور صورت نمیدهند این بی‌انصافی را نباید کرد اگر یکی دو بیمارستان هست که هزینه زیاد میگیرد بیمارستانهای خصوصی را نباید حساب کنیم اولاً همه بیمارستانهای خصوصی به يك شکل صورت هزینه نمیدهند این بی‌انصافی را نباید کرد اگر یکی دو بیمارستان هستند که هزینه‌شان بالا است آنها را اگر حساب کنید با معالک دیگر مثل انگلستان مثل امریکا می‌بینید هزینه‌اش پائین تر است البته نسبت به مملکت ما بالا است حالاً کسی مجبور نیست که آنجا برود و آن هزینه را بپردازد یکی دو بیمارستان است بآن بیمارستان نروند نادرش را ببینند (بزشکپور -

بس کجا برود بستری شود؟) تمیزی اصلاً لزومی ندارد آنجا برود (بزشکپور - جنابعالی اینطور استدلال میفرمائید) خیر استدلال جنابعالی است عرض کنم ولی يك موضوعی بود که جناب آقای پرفسور مخبر فرمند اشاره کردند موضوع بهداشت مواد خوراکی و کسبه و از این قبیل بود که چون من خودم وارد هستم و در کمیسیونهایش بودم میدانم بچه شکل عمل می‌شود بخصوص بسیار دقیق روی مواد اولیه و موادی که ساخته میشود سه مرتبه آزمایشات مختلف انجام میشود تا به بازار می‌آید و بعد بدست افراد میرسد و تمام اشخاصی که در شهر هانجوی بکار کسب مشغول هستند کارت بهداشتی دارند معاینه نمیشوند و يك سازمان قوی سیار برای رسیدگی باین تشکیلات وجود دارد که بنده میتوانم بگویم این وظیفه بنحو صد درصد انجام می‌شود، بنده دیگر عرض ندارم و تشکر می‌کنم (احسن - آفرین).

رئیس - آقای دکتر عاملی بفرمائید.

دکتر عاملی - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند و وظیفه‌ای که بمن محول شده است شاید انجام آن به مناسبت پایان ساعتهای روز نه برای من که افتخار حضور دوستان و همکاران گرامی را دارم بلکه شاید برای همکاران ارجمند اندکی مشکل باشد روزی طولانی را در انجام وظیفه پارلمانی خود گذرانده‌ام و همگی خسته هستیم (عباس میرزائی - خسته نیستیم) ولی مجلس، مجلس انقلابی است آنطور که آقای عباس میرزائی گفتند شانس این است که خسته نباشیم و وظیفه هم وظیفه است اگر تذکراتی قرار است در مورد بودجه داده بشود باید در هر ساعتی از شبانه روز که لازم باشد این تذکرات داده بشود بنابراین بر من بیخشد اگر دیر وقت برنامه بنام من اصابت کرد ولی سخنانی هست با هم در میان خواهیم گذاشت امیدواریم نتیجه بخش باشد برای میهن ما و ملت ما. در ابتدا من لازم میدانم چند کلمه ای را بیان کنم که چرا در مورد بودجه تذکراتی مشروح تراز موارد دیگر داده میشود شاید يك زمانی بعضی از دوستان اشاره میکنند که بودجه دولت روی يك صفحه کاغذ تنظیم میشد حقا در آن زمان امکان این هم بود که ارقام بس و پیش شود و نمایندگان مجلس شاید به تناسب قدرت‌هایی که در آن زمانها از آن

برخوردار بودند از حق جا بجا کردن ارقام استفاده میکردند ولی امروز روشهای فنی طرز تنظیم بودجه را دگرگون کرده در این کشور هم خوشبختانه بودجهایی تنظیم میشود که ارقام تقریباً بشکل تثبیت شده‌ای بر روی صفحات کاغذ نقش مینند آنچه که ما میکنیم بیشتر جنبه اطلاع دارد تا جنبه دخل و تصرف و من باین خصوصیتش هم اعتقاد دارم یعنی اگر واقعاً فرار بود که ضمن مذاکرات چند ساعت ما این ارقام کثیر را که در موارد مختلف و ابعاد مختلف بخش شده دچار تغییر و دگرگونی میشد آن نظام برنامه‌ای از هم می‌گسیخت این کار باید طبق نظام و اصولی تنظیم بشود که انشاء الله میشود و ما هم مینایست بر این جریان از لحاظ اطلاع افغان نظر کنیم نظریات خودمان را در آن قسمتی که میتواند مؤثر واقع شود و دگرگونی ایجاد کند بیان کنیم پس ممکن است بفرمائید بر سر ارقامی که خیلی تغییر نخواهند کرد پس اینهمه برای چیست؟ آنها که تجربه پارلمانیان بیشتر از من است دیده‌اند که در دوره‌های قبل از زمانی که بودجه باین شکل تنظیم میشود این ارقام زیاد جا بجا و پس و پیش نمیشود و تغییر نمیکند شاید این سؤال مثل من برایشان پیش آمده باشد که این همه حرف برای چیست؟ من اعتقاد خودم را عرض میکنم فکر میکنم بسیاری از شاه‌مهدستان شاید این اعتقاد را اینجا ناشی است که خود تنظیم این ارقام یعنی اولویت‌ها از کجا سرچشمه میگردد صحیح است که یک عدد متخصص را استخدام میکنند و آنها حساب میکنند و تنظیم میکنند ولی خود آن متخصصین از دو حال خارج نیست یا فقط در قالب تخصص خودشان هستند و هیچ نوع ارتباط معنوی با جامعه ما و ملت ما ندارند که من هرگز چنین ادعایی را نمیکم، چنین نیست ارتباط دارند بنابراین این بودجه را اگر اینطور تعبیر بکنیم نشأت میگیرد از یک اطاق یا چند اطاق درسته که افراد در حکم مجوسهایی هستند که با محیط خارج ارتباط و پیوند ندارند از نمایلات اجتماعی از نیازهای ملی بی‌خبر هستند و فقط با نگاه سلیقه خصوصی خود این ارقام را تنظیم میکنند اینطور نیست این افراد تخصص دارند از جهت فشان ولی ارتباط دارند با ملتشان از جهت پیوستگی‌ها و پیوندهاشان، به نیازمیشان آشنا هستند به آرمانهای اجتماعیشان آشنا هستند بخصوصیات تحول زمان آشنا هستند

منشاء این آشنائی چیست؟ ما به این آشنائی چیست؟ این آشنائی را از کجا بدست آورده‌اند این آشنائی از طریق انتقال یک سلسله عقاید و افکاری است که در اجتماع از منشاءهای مختلف از طریق کتابها، اظهار نظرها روزنامه‌ها و بالاخره کوشش‌های احزاب که به شکل مترقی مدون کردن این افکار و عقاید و پیوند دادن سازمان‌های بالای اجتماع تأثیر فزاینده‌ای کانونهای جمعی یعنی کانونهایی که افکار و عقاید خود را در مجرای احزاب میرند در مجرای روزنامه‌ها کنفرانس‌ها، اظهار نظرها و کتابها میریزند از این مجاری متعدد و متنوع این سلسله افکار و عقاید و تمایلات و آرمان‌شناسی‌ها از اوج بالاتر نظمی کند و از همین مراتب آن افراد متخصص هم میرسد یکی از جاهایی که افکار و تمایلات بروز پیدا می‌کند همین سلسله کنفرانس‌هایی است که در مجلس شورای ملی داده می‌شود همین بیانات و تذکرات، ما نمیخواهیم این ارقام را دست بزنیم اگر هم دست بزنیم ناچار بسیار جزئی است ولی این افکار و عقاید اینجا عرضه و بررسی می‌شود اینها تمایلات اجتماع ماست، آرمانهای اجتماعی ما را نشان میدهد که این اجتماع چه میخواهد عرض نمی‌کنم هر چه که من میگویم همه آن چیزی است که شما میخواهید اما یک قسمتی از آن هست. یک قسمتی هم شمار در حزب خودتان بررسی می‌کنید قسمتی را حزب مردم در کانون‌های حزبی خودشان قسمتی را هم حزب بان ایرانست بررسی می‌کند از طریق روزنامه‌هایی که ارتباط باین سازمانها دارد بخش میشود نشر میشود و دیگر مردم بوسایل مختلفه در اختیارشان هست این نظریات را منتشر می‌کنند سطح تمایلات و آرمان‌شناسی جمعی و اجتماعی در مملکت ما بوجود می‌آید که آن متخصص بودجه آگاه یا ناخود آگاه بدان ارتباط و آشنائی پیدا می‌کند و میگوید من در این سال فرض کنید به کشاورزی یا کارهای روستایی اولویت میدهم یا در فلان سال میگویم به آموزش اولویت میدهم صرفاً منشاء این اولویتها افراد متخصص نمیتواند باشد ولی تخصص این جدولها را بوجود می‌آورد تخصص آن روالهای بودجه نویسی روالهای بررسی بودجه را بوجود می‌آورد ولی هرگز هیچ تخصصی برای هیچ کشوری آرمانهای آن کشور را بوجود نمی‌آورد این آرمانها این آرزوها متعلق است به همه، بطول تاریخ در نهاد همه جا گرفته بحکم پرورش و آموزش در نهاد هر کس تجلی می‌کند و برکت میشود

و چه آرمانهای هر زمان يك ملت را بوجود می‌آورد بنا بر این این مقدمه را لازم بود عرض کنم که اگر از جهت دخل و تصرف بر ثمر نیست از نظر اثرات آن خیلی بی‌ثمر نیست کاری است که در سال‌های آینده اثرات خودش را میگذارد (صحیح است) بدریست بذرفکر و اندیشه بدریست که در اجتماع کاشته میشود و بدری است که آفت ندارد (احسن) معنوم نمی‌شود در نهادها و بر استعدادهای اجتماع جای خودش را پیدا میکند و روزی بارور میشود و آن روز در ذهن متخصصان اثر میگذارد و فرم بودجه‌ها دگرگون میکند بنا بر این انتظار نداشته باشید که من چیزی بگویم جز سلسله‌ای از تذکرات، تذکراتی که با اعتقاد ما متکی است به آرمان‌شناسی این ملت البته به تشخیص حزب و اینهم نشان مبارزه حزبی است البته به تشخیص حزب من شما هم مینایست این مباحث و مطالب را مطالعه بفرمائید نه تشخیص حزب خودتان ولی هر يك از حزبها یا گروههایی که عقیده‌ای را عنوان می‌کنند اگر در جامعه محملی برای قبول و طبع قبول برای بسند آن افکار و عقاید باشد این بذر گل می‌کند و ثمر میدهد و وظیفه ما گفتن است ولی اثرات را آینه نشان خواهد داد که چه فکری بر کرسی حق نشسته است اولین تذکر من تذکر است در زمینه اقتصاد و بخصوص اقتصاد کشاورزی من فقط بخودم اجازه میدهم مطالب خودم را با سرعت بیشتری و فشرده تر عرض کنم شاید بدلیل آنکه قبلاً در بحث‌های گوناگون از طرف گروه پارلمانی ما این مطالب عنوان شده مبانی این تذکرات تشریح شده در مورد امور اقتصادی و بویژه اقتصاد کشاورزی مشکل درجه اول عبارتست از طرز فکر، طرز فکر سازمانهای دولتی این نکته را عرض کردم که اصولاً انقلاب عبارتست از تمایل باینکه یک سلسله از روالها و روشها معنوم بشود کنار گذاشته بشود و یک سلسله از روالهای دیگری جایگزین آن بشود. یک سلسله روشهایی میراث سازمانهای اداری هست این مشکل درجه اول ماست در امور اقتصادی و بخصوص در اقتصاد کشاورزی اهم این روالها این است که یک تری منشعب از مکتب‌های خاصی در دنیا رواج و شهرت داشت که می‌گفتند دولت تاجر خوبی نیست این روال سازمانهای ما شده يك اصل یعنی هنگامی دستگاههای دولتی بکار تجارتنی دست بزنند که ثابت کند که دولت تاجر خوبی نیست شما منطبق‌هایی در سازمانهای اجتماعی دولت می‌بینید که اینها را هرگز در عرف يك

بازرگان بخش خصوصی نمی‌بینید اولین نکته این است که زیادی مشتری از لحاظ طرز تفکر تاجر بد عبارتست از يك مصیبت شما می‌گویید چرا شیر پیدا نمی‌شود چرا کره بازار سیاه پیدای کند جواب میدهند برای اینکه مشتری زیاد شده يك زمانی کسی نمی‌خورد و حالا همه میخواهند شیر بخورند چرا گوشت پیدا نمی‌شود برای اینکه مشتری زیاد شده در صورتیکه بخش خصوصی همیشه از زیاد شدن مشتری شادمان است آرزوی این است که مشتری زیاد بشود و این اشکال مانع از این است که ما دنبال دو خط مشی اساسی صنعت و صنعت کشاورزی برویم که عبارتست از تولید هر چه بیشتر و بازاربایی هر چه وسیعتر، طرز فکری که باید تاجر بدی باشیم مانع از این می‌شود که ما دنبال تولید بیشتر برویم نمونه هایش پیش چشم ماست کره این کارخانه دولتی که هر سال در بودجه يك نازشتی میبرد ازیم از لحاظ بدکار کردن يك پنجم از بهای اصلیش گرا تر می‌خرد در مواقع مخصوصی از سال احساس می‌کنیم که طمعش عوض شده مزداش عوض شده مزه ماست اش را در طی سال احساس می‌کنیم که چند ماهی لا اقل تغییر می‌کند در آن ذرات زرد رنگ خاصی می‌بینید که در طی سال نمیدیدید و معلوم است که يك ماده خاصی به آن اضافه شده است يك چیزی خارجی اضافه شده است بعد هم میشوند که برای خرید مقدار کثیری شاید در حدود رقمی يك و نیم یا دو نیم هزار تن کره اجازه ورود داده شده رقم را اصرار ندارم چون من تمام مدارك را که خیلی قطور است و غالباً متکی است به این رقم‌هایی که در همین کتابهای بودجه داده شده آنها را همراه نیاورده‌ام که شاید کلام خود را بتوانم تندتر بعرض برسانم ولی بهر حال این را اطلاع دارید که اجازه مقدار کثیری داده شده و اگر کمترین راهنمایی و اطلاعی لازم است ممکن است بهر خواربار فروش و لبنیات فروش مراجعه کنید تا انواع و اقسام کره‌های خارجی را به شما عرضه کند در طی این سال‌ها این سؤال پیش می‌آید که برنامه افزایش تولید این سازمان چیست این سازمانی که از زیادی مشتری مینالد این سازمانی که هر ساله در بودجه عمومی کشور مبلغی را بعنوان نازشت تاجر بد دریافت می‌کند برنامه توسعه‌اش چیست افزایش چه؟ چرا در عرض این ۱۱ سال ۱۲ سالی که این دستگاه دایر بوده نتوانسته

است که بر مبنای این مقرر شد و امروز واقعاً نتواند نیازمندیهای مردم را رفع کند در مورد گوشت چیزی که لازم است گفته شود و نشان داده شود که ما به سرز تفکری که حتماً باید تاجر بدی بشود و باید بازار گوشت شدید گوشت بد و نامرغوب از لحد بازار و قیمت گرفت تهیه کردیم فروشگاه فردوسی تهران گوشت را به مختصر تغییر دادیم بهای کیلویی سی تومان میفرودند و به سگوب و این کلمه را آقای عباس میرزائی من نمیدانم فردوسی چیست باید برویم از مدیر فروشگاه فردوسی بیسیم ما میدانیم که فروشگاه فردوسی در جهت پائین آوردن نرخ این گوشت را کیلویی سی تومان بفرود تهران میفرودند این سرز فکر عرض کرده نمیکند تولید ما افزایش پیدا کند تولید گوشت منگی است بر تولید زیاد دام و هر یک از آنها که مربوط به هر یک از مصادیق دامپروری کشور بشود میدانیم که با نقل سیر دامپریشکی و اشکالات مصنوعی در خرید دام باین ترتیب که دامدار کردستانی یا مبادی مجبور است دام خودش را سوار میشین کند تازه بد کند و چون خریداری نمی کند و به بازار تهران برساند مقدار زیادی از دام برین بیرونند و مقدار زیادی حتماً از وزنشان کم شود چون تهران هم از این دامدار بدبلائی خاصی دام را خریداری مرغوب تر میخرند تا دام برقرار و بعد هم برین خریدش هزار ایراد میگیرند (بکنفر از نایندگان - و بدین راه نمیدهند) بلی غالباً مراجعین نایندگان غرب در حوضخانه همیشه دارندگان این جگهای وصول نشدهای هستند که این چوبدارها دارند که بولشان ترسیده است با این ترتیب محل است که دامپروری توسعه پیدا کند مگر نه اینکه روز بروز در این مناطق زندگی دامپروری در معرض خطر بیشتری است و این صنعت سود آور و لازم در معرض زوال و فنا است این حقیقتی است اولین جره این است که ترتیبی بدهند که این دام را در محل بخرند اگر این توانائی را دارند در همان محل در گشتار گلهای فنی ذبح کنند در همان محل آنرا تقسیم کنند در همان محل ترتیبی بدهند که از شیوه استفاده شود و از گوشتش استفاده شود و ترتیبی بدهند که آنها را محمول بشود و بالاخره آلاشی شکم گوشتند را که صادر میشود و به قیمت خوب از ما میخرند حتماً آن را تغییر میدهند این تغییر را چرا آنها بدهند بالاخره این

صنعتاً با کمزمانی خود ما باید داشته باشیم اگر آنها تجربہ دارند ما هم بعد از ده سال ۲۰ سال خوب این تجربہ را پیدا میکنیم و مجموعه اینها را اگر ما آوردیم در يك محدوده صنعتی و تجاری آنوقت در این مناطق دامپروری يك بازار مناسب پیدا میکنیم شما فکر میکنید بجهت این دامداری های اطراف تهران پیدا شده بدلیل اینکه کارخانه شیر پاستوریزه خریدار شیر شد و وقتی آنها دیدند کسی جهت کشیشان را بخرد آنها هم رفتند و این مراکز را ایجاد کردند اگر این بازار در مناطق مختلف دامداری کشور باشد دام را پرورش خواهند داد دامپروری وسیع در این منطقه تاسیس میشود و آنوقت صرف خواهد کرد که برای دامپروری خودشان دام بزرگ هم استخدام میکنند تمام این موارد باید نمونه گذاری شود یعنی يك قسمت بوسیله دولت باید بعنوان نمونه تاسیس شود بقیه هم قطعاً بدست خود مردم خواهند شد قدم اول را ما بر نمیداریم و دائماً می نشینیم مردم این شهرهای عقب مانده و دور افتاده که سالها مورد بی توجهی بوده اند ایراد می گیریم که اینها سرمایه گذاری نمیکند برای چه بکنند چرا گوشت تولید کنند که با این مصیبت تهران بیآورد و اینها اسیر خریدار باشد و باو بگویند امروز از تو نمی خرم و فردا از تو نمی خرم و پس فردا از تو نمی خرم و فلان روز میخرم تمام این روزها آفت دارد از وزن آن کم میشود اگر نمرد و وزنش که کم میشود پس با يك دید غیر اداری باید در امر تولید و تولید کشاورزی وارد شد در قسمت صنایع اشاره خیلی مختصری میکنم صبح در اینجا صحبت شد راجع با اهمیت صنایع غذایی این يك حقیقتی است ما يك اعتباراتی را در جهت امور دفاعی صرف میکنیم و باید هم بکنیم در شکم این اعتبارات اعتباری برای صنایع نظامی تخصیص داده میشود از این صنایع باید بعنوان يك محور استفاده کرد بعنوان يك اهرم باید استفاده کرد چون صنعت مثل سایر امور اجتماعی اگر يك نهاد گسترده ای تبدیل شود میتوانیم بگوئیم که صنعت است ما موفقی میتوانیم بگوئیم که کارخانه تانک سازی داریم که در کارخانه اتومبیل سازی هم داشته باشیم چون تکنولوژی تکنولوژی است صنعت صنعت است کارخانه تانک سازی برای همیشه تانک سازیست در روز ضرورت میتواند اتومبیل هم بسازد و تانک هم بسازد و یلوا کنی هم بسازد کارخانه اتومبیل

سازی برای ابد کارخانه اتومبیل سازی نیست در روز ضرورت می تواند به کارخانه تانک سازی تبدیل شود صنعت يك علم است يك پیشرفت تکنولوژی است این تکنولوژی وقتی پدید آمد می تواند کالای خود را فراهم کند در امور دفاعی ضرورت حیاتی است اما قسمتی هم ضرورت صنعتی است اینها را باید شمع زد نفوذ کرد تقویت بوسیله جی است بوسیله کانونهای دیگر صنعت است و هر يك از اینها هم صنعت مطلق نیست صنعت جز برای هیچ کشوری را ادای صنعت نمی کند صنعت باید گسترده باشد یعنی اگر يك کارخانه اتومبیل سازی داریم این کارخانه واقعاً روزی برای ما صنعت می شود که قسمتی کوچک از ابزار این را همین صنعتگران خیابان چراغ برق یا سی متری می سازد یعنی صنعت اتومبیل سازی باید اینها را تقویت کند ساخت ابزار کوچک مختلف حتی بین مدرسه های صنعتی باید بخش شود وقتی این ساخت در تمام دانشگاه های صنعتی تقسیم شود و این ساختها در تمام مملکت گسترش پیدا کرد آنوقت می توانیم بگوئیم صنعت داریم ما بر این ما با اعتقاد کامل می توانیم بگوئیم که صنایع نظامی ضروری است هم از جهت خودش هم از جهت اینکه با هر می و يك تحریک کننده ای سبب بشود که صنعت در تمام شئون اجتماع ما گسترش پیدا کند بلی در تمام شئون ما یعنی کشوری که مردمش سازنده قطعات صنعتی هستند این طرز فکر حتی در دبستانها و دبیرستانها اثر میگذارد مدرسه آن کشور که قطعات مختلف صنعتی را در شهرهای بزرگ آن نسیازند طرز فکر شاگردش با آن کشوری که به صنعت آشنائی ندارد بکارخانه نو کارخانه بزرگ آشنائی ندارد زمین تا آسمان فرق می کند اصل دوم صل توسعه بازارهاست ماسیاست مستقل ملی از جانب رهبر کشور مان بر ایمان اعلام شده این سیاست باید در تمام گذشته دیده شود و از جمله در بازاریابی ما در طی صد سال گذشته بش نوع بازاریابی سنتی پیدا کرده ایم و این از سنتهای استعماری است از سنتهای دوران تسلط استعمار در خاور میانه و آسیا است ما خیال می کنیم بازار عبارت است از يك خریدارهای مشخص این تصور را باید بهم بریزیم بازار عبارت است از جایی که جنس مرغوبی را ارزان تر بیاورند و جنس بیبیدی را اگر ارزانتر بخرند بلکه این اعتقاد را داریم که بر سر يك تفکری مسالمت آمیز با هر کشوری دارای هر سلکی میتوانیم مراد داشته باشیم شما در تمام این لوازم

التحریر فروشی های تهران مداد پاک کن چینی می بینید مداد چینی می بینید دفتر نقاشی چینی می بینید سایر ابزار و ادوات ساخت چین می بینید اما ما دولمان خوش است که این را از بازارهای هونگ کنگ میخریم از واسطه هونگ کنگ میخریم یعنی از آن بازار ترا دیسیونل از همان بازار صدساله استعماری چرا ما حق نداشته باشیم که این را مستقیماً از کشور اصلی بخریم بازارهای افریقا بازارهای سنتی ما نیست اما بازار است خاور دور بازار سنتی ما نیست اما بازار است سوی بازارهای جدید برویم میخواستیم این جا از لحاظ تنوع ذهن دوستان را متوجه این داستان گلستان بکنم شی بازرگانی در جزیره کیش بخانه خوشی برد زمان سعیدی را مجسم کنید او از بردیمانی و کالای چین و زنگبار ما میبرد و ما در این تاریخ خیال میکنیم بازارمان آن بازاری است که از زمانهای قبل از کابال سوئز به آن دست داشتیم این صحیح نیست عرصه بازاریابی ما از زمان سعیدی نباید محدودتر باشد امروز دنیا دنیای وسیعی است ما در يك جهان واقعی زندگی میکنیم باید بسوی واقعیات برویم ماسیاست مستقل ملی داریم از هیچ اندیشه و ملیتی نمی ترسیم بنابراین باید بر این اساس بازار را یعنی واقعی سنتی توجه داشته باشیم البته در زمینه دامپروری اشاره ای کردم بقول معروف ما باید گریزی بصرای کربلا بزنیم این شهر ما باد یکی از مناطق کشاورزی کشور است سرمایه گذاری عظیمی از لحاظ سد کابال آنجا شده است اگر مسئله راههای آنجا حل شود یکی از بهترین و سود آورترین مراکز قبول سرمایه خواهد بود یعنی این اندیشه هائی که اینجا عرض کردم از لحاظ بازار خرید دام در صورتی تحقق میپذیرد که راه آذربایجان غربی ساخته شود البته در این مورد مذاکرات مفصلی در کمیسیون بر نامشده و عهد هائی بماداد ندانیم و عهد قرار بود در سال ۴۸ عمل شودند سؤالی در این مورد طرح شد این سؤال متجاوز از يك سال است مورد بحث و فحص است و باز وعده دادند که در سال ۴۹ عملی میشود و من امیدوار هستم که از این یکماه که در انسال وقت هست استفاده شود و روشریفات کاغذی اینکار تمام شود و از فصل ساختمان آینده ساختمان این راه حیاتی و حاس در آذربایجان غربی شروع شود در خلال سطور بودجه خوشبختانه رقم هائی می بینیم که برای ایجاد قطب های وسیع سرمایه گذاری در

امور صنعت کشاورزی است این چه بشکل سرمایه گذاری در شرکتهای سهامی وجه بشکل سرمایه گذاری برای واحدهای کشت و صنعت و موارد دیگری که قطعاً دوستان در افلاک بود چه ملاحظه کرده اند و یکی دو نفر از دوستان اشاره کردند ما داریم مکانیزاسیون را بسطح روستاها می بریم این يك امر اجتناب ناپذیر است برای اینکه امکانات کشاورزی ما مثل امکانات صنعتی متکی به آب است و آب عنصر محدود اقتصاد ملی ماست یعنی ما از جهات دیگر ممکن است يك گشاده دستی داشته باشیم ولی به نسبت که قیاس کنیم از لحاظ آب دچار محدودیت هستیم بنابراین از آب باید به بهترین وضع استفاده کنیم و این بهره برداری بوسیله زراعت قدیمی امکان پذیر نیست و ناچاریم عامل ماشین شاید در آینده عامل خود کاری را وارد صنعت کشاورزی کنیم اما وقتی باین مسئله توجه میکنیم باید يك نکته بسیار مهم دیگر هم توجه بکنیم و آن اینست که عامل ماشین و تکنیکهای پیشرفته در ماشینیزم انسان را بیکار میکند و انسان را از سطح روستاها متواری میکند برای این موضوع اندیشه کنیم و برای این اندیشه حتی در اصول انقلاب ما به این امر توجه شده است انقلاب آموزشی آوسیله و راه حلی است که مازاد نیروی انسانی روستاها را بایند در بناد کانال های خود نگاهدارد تا زمانی که آنها را بطور مطمئن تحویل بازار کالا بدهد اما در سطح روستاها همراه با اقداماتی که با وزارت اصلاحات ارضی میکند بشکل تعاونیها با شرکت سهامی زراعی یا اقداماتی که وزارت آب و برق میکند بصورت واحدهای کشت و صنعت که اگر این اقدامات با يك سلسله اقدامات آموزشی به مفهوم انقلاب آموزشی همراه نباشد اقداماتی است ناقص و برای آینده مصیبت بار (صحیح است) پس در اینجا اگر يك طرحی ارائه می شود برای تشکیل شرکت سهامی زراعی باید جزو این طرح باشد این قسمت آموزش و کار برای مازاد نیروی انسانی اگر برای کشت و صنعت چنین طرحی ارائه میشود جزئیات باید باشد یعنی نگوئیم این کار را میکنیم بعداً وزارت آموزش و پرورش در اعتبارات آینده اش منظور خواهد کرد یا در صورت جلسه قید خواهد شد یا در گزارش کمیسیون منعکس میکنیم اینها برای بیکارهای فردا کار نمیشود و در جزء طرح کشت و صنعت باید طرح آموزش و کار باشد و ملحق بآن و جزء آنفک ناپذیر

اقدامات شرکتهای سهامی زراعی باشد پس توجه میفرمائید که این اصول، اصول انقلاب ما از هم گسست ناپذیر است هر یک را بشکافیم در پیوستن اصول دیگر ظاهر میشود انقلاب آموزشی واصل اصلاحات ارضی با ملکی کردن آب اینها از هم جدائی ندارد و یکی دیگری را توجیه میکند و یکی در پس دیگری پنهان است و باید مجموعاً منظور شود خوب بیدخل انقلاب آموزش رسیدیم وارد مذاکرات در مورد آموزش عالی میشویم در مورد آموزش عالی خوب انشاء الله علاقمندان در صورت جلسه این مذاکرات را میخوانند و بآن توجه میکنند (بکنفرانز نمایندگان - آقایان معاونین و زارتخانه حاضر دارند) چند نکته هست اولین نکته این است که ما قبل از تر انقلاب آموزشی يك سلسله دانشکده ها و دانشگاههایی داشتیم روال هائی در این دانشکده ها بمرور ایام بوجود آمده بود که با موازین انقلاب تطبیق نمیکرد مهمترینش عبارت از این بود که در نظامات هر يك از این دانشکده ها ضوابطی پذیرفته شده بود که خود آن ضوابط اجازه میداد که این دانشکده ها از درون خراب بشود یکی از آن موازین استخدامی است هنوز در دانشکده پزشکی، در دانشکده فنی اشخاصی را بعنوان طبیب یعنی با درجه طبیب یا مهندسی استخدام میکنند یا کرده اند که مبنای حقوق آنها در حدود ۸۰۰ تومان است خود این ضابطه مجوز این است که این دستگاه از درون باشیده بشود طبیب که نمیتواند با ۸۰۰ تومان زندگی کند پس ناچار است برود در خارج کار کند این خصوصیت طبیب یا هر پرسنل دیگر دانشگاهی را دو شخصیتی میکند يك شخصیت دانشگاهی و يك شخصیت پولساز خارجی و يك نزاعی بین این دو شخصیت در میگیرد که بضرر دانشگاهها است و البته عرض میکنم این عمومیت داشت ولی خیلی مردان دانشگاهی هم بودند که با همان حقوق خودشان زندگی میکردند دانشگاهها را آتفائی خراب کردند که روز اول بحکم اجبار ناچار شدند در خارج از محدوده دانشگاه برای خودشان کار بکنند و بعداً علاقه شان باینکار بیش از کار دانشگاهیشان شد، خوب این درد، اما درمان، آیا ما میتوانیم در نظامات استخدامی مان مخصوصاً در سطح دانشگاهها آتفد حقوق بیرونی که با مقایسه با همه حقوقی که امروز در کشور شما بموجب قوانین میبرازند رقابت بکنیم با اعتقاد

امکان پذیر نیست در اینجا فرمولی را عرض میکنم ما باید نظام استخدامی را در خدمت طبقات اصیل مان بگذاریم ما در این کشور بمعلم بعنوان سلولهای اصیل این اجتماع احتیاج داریم به طبیب بعنوان سلولهای اصیل احتیاج داریم به قاضی بعنوان سلولهای اصیل احتیاج داریم باین سلولها امروز احتیاج داریم فردهام احتیاج خواهیم داشت بهمان دلیل که در تمام طول تاریخ گذشته به این رده ها احتیاج داشته ایم و هیچوقت اجتماع ما از این رده ها بی نیاز نبوده است پس این سلولها، این گروهها در حکم سلولهای مغز ما هستند همینطور که سلولهای مغز ما زنده و فعال هستند نامن و شما زنده بمانیم اجتماع ما هم بر سلولهای نجیب خودش متکی است این سلولها همین گروهها هستند گروههایی که همیشه در اجتماع بوده اند و نظام اجتماعی و استخدامی باید آنها را حمایت کند و واجبتر از این سلولهای اصیلی که مملکت را نگاه میدارند و میگردانند چیز دیگری نداریم منافع بخش خصوصی واجب تر از معلم نیست و پیشرفت و تقلید از صنایع دیگران واجب تر از معلم و قاضی و طبیب نیست ما حق نداریم نظام استخدامی را مختل و متلون بکنیم چون میخواهیم افراد اقلیت و گروههای معدودی را راضی نگاه داریم که بر اساس سود جوئی پایه کارهایشان را استوار کرده اند. نظامات استخدامی ما باید بر ساسی باشد که از معلم از قاضی از کارگر از کارگر ماهر حمایت بکند این اصل اولش ولی راه حل دوم این است که ما باید يك نکته را قبول کنیم در مورد کل سیستم آموزش و آن این است که آموزش از تولید و خدمت جدا نیست من بآن مرد دانشگاهی که پیش از انقلاب و شاید هنوز هم در دانشکاه درس میدهد و در خارج از دانشکاه حرفه خودش را دنبال میکند بآن حق میدهم برای اینکه فرض کنید طبیب است یا مهندس است این اگر درس بدهد ولی هیچوقت نقشی نکشد و طرح نکند و نظارت نکند بعد از چندی دیگر او اصلاً مهندس نیست، طبیب کسی است که با مریض سروکار داشته باشد پس خدمت و کسی است که با طرح و نظارت سروکار داشته باشد پس خدمت و تدریس از هم جدادنی نیست آموزش، قطب آموزشی، بیوند گسست ناپذیر دارد با قطب خدمت و تولید شما میگوئید که اینها در دانشکده درس بدهند بیرون کیار کنند این همان مصیبت قلبی را در بر دارد باید سطح خدمت دانشگاهها را آتفد بیا فزاید و مجهز کنید که خدمت

انجام بدهند باید بر سطح و ظرفیت خدمت دانشگاهها آن اندازه بیفزائید که بتواند تمام پرسنل آموزش دهنده خود را در کادر های خود بخدمت و ادار کنند که آنها تماسشان با حرفه شان قطع نشود ضمناً در شان را هم بدهند یعنی خدمت را بیاوریم زیر چتر دانشگاهها همانطور که در دانشکده پزشکی ما هست منتها در گذشته چرا آن اشکال پیدا میشد برای اینکه دانشکده های پزشکی ما میتوانستند در يك سطح وسیعتری خدمت عرضه کنند ولی با منافع نمیگذاشت با قوانین و مقررات بود چه وجه این اجازه را نمیداد و امروز که میخواهیم این مشکل را حل بکنیم باید این اصل ملحق بودن و ملحق بودن خدمت و آموزش را بپذیریم دومین نکته این است که ما در امر آموزش احتیاج داریم يك انقلاب کمی و اصولاً انقلاب آموزش را من بسه بخش می شناسم انقلاب کمی، انقلاب کیفی و انقلاب پرورش، انقلاب کمی مفهومش اینست که بینیم چندر کمبود داریم کمبود را جبران بکنیم شاید بفرمائید این حرف آسانی است که ما هر وقت میخواهیم بدو وجه انتقاد کنیم میگوئیم این ظرفیت کم است می گوئید الان ظرفیت دانشگاههای ما بین ۵۰ هزار و ۶۰ هزار است و کم است و واقعاً کم است روی هیچ کشوری ملاحظه خاص روی میزان سرمایه شان که در بانکها خوابانیده اند یا اینکه بعضی از آقایان این موضوع توپو و تانکهایشان را فرمودند اینها قابل ملاحظه نیست چون معلوم نیست در این کشورها چه اعتقادی برای بکار بردن این وسائل دارند چه توانائی دارند؟! وجه مزایائی برای آنها است؟ ولی برای کشورهای که جمعیتی برابر جمعیت ما دارند اما در حدود ۱۵۰ هزار دانشجو دارند این قابل ارجح و اهمیت است یعنی اگر قرار باشد ملاحظه بکنیم باید از این کشورها ملاحظه کنیم که بیش از ما ظرفیت دانشگاهی دارند و وقتی می خواهیم ضرابی حاکی از پیشرفت نشان بدهیم ضریب رشد نشان بدهیم البته حکایت می کند البته پیش هم رفته ایم امسال در حدود ۱۲ درصد رشد داشته ایم و اجازه بدهید ضریبهای دیگری را هم نشان بدهم که کیفیت رشد ما را هم نشان بدهد و با اعتقاد من این ضریب دانشجو است و بعقیده من ضریب در جمعیت است این يك ضریب مهم و قابل ارزشی است آن کشوری که می تواند بازمانهای خود را ارگانیزه بکند که دانشجو تربیت کند و آن کشوری که می تواند امیدهای

آینده اش را آنچنان وسیع بگیرد که بجای استفاده از ۶۰ هزار دانشجو از یکصد و پنجاه هزار دانشجو استفاده کند آن یک کشوری است که می تواند ادعا کند که من بیشتر فتره هستم بنابراین ضرب هائیکه کیفیت را نشان بدهد نمی خواهم وارد بحث بشوم که این ضرب ها بچه میزان کیفیت را می توانند نشان بدهند. بهر حال چیزی را بگیریم که کیفیت را نشان بدهد بنابراین در این مورد ما بیک کمبود پی میبریم این کمبود باید جبران بشود و اینکار بیک عمل انقلابی لازم دارد و روشهای غیر نمونه لازم دارد در مورد تحصیل منابع درآمد برای انقلاب آموزش در سطح عالی، یعنی بالا بردن تعداد دانشجو به نسبت دو یا سه برابر باید از وسائل انقلابی استفاده کنیم باید منابع جدیدی را اختصاص بدهیم باین امر آموزش همین امسال بیک کار برارزش وزارت علوم با مشارکت دانشگاهها کردند و آن منعکس کردن زندگی رشیدالدین فضل الله همدانی بود و واقعاً من واقف نبودم آگاه نبودم اما در این جریان بی بردم که رشیدالدین فضل الله همدانی در بیک بحران تاریخی در بدترین و سیاه ترین شرایط و زمان و وظیفه فرهنگی خود را عمل کرد و در تیریز بزرگترین دانشگاه آن زمان و شاید با مقایسه با بعضی از دانشگاهها بزرگترین دانشگاه این زمان را بوجود آورد با اسم ربع رشیدی و تمام مخارج این دانشگاه را از طریق موقوفات تأمین کرد این بیک درس بزرگ است در تاریخ ما بیک منبع از منابع ملی را اختصاص بدهید ما هر توسعه انقلابی دانشگاهی ما تا حالا که منابع زیرزمینی مس را در درآمد عمومی نمی آوردیم منابع عظیمی از آن پیدا شده است خوب این را اختصاص بدهید برای توسعه کمی دانشگاهها همین جا آقای دکتر میرعلاء بمواد معدنی سرب و وانیم اشاره کردند این چیزی بی اهمیتی در دنیای فعلی و آینده نیست اینها را باین امر اختصاص بدهید مردم را واداریم که موقوفاتی برای این منظور وقف کنند برای امر آموزش همانطور که در این مملکت سنت بوده و متأسفانه ما باین سیاستهای اخیر مان با این سنت مبارزه کردیم حالاً عرض میکنم بچه نحو با سنت وقف مبارزه کردیم این مبارزه را بوسیله سازمان اوقاف کرده ایم بیلان سازمان اوقاف را ملاحظه فرمائید، هدف این سازمان اوقاف چه بوده حفظ اوقاف و لزوم تشویق آن این احتیاج داشته است بچه؟ بلزوم اعتماد؟ خوب، شما برای اینکه این اعتماد را جلب کنید چه کرده اید؟ بیلان کار نشان میدهد میگوئید برای اینکه ما نظارت بکنیم بر

۴۵۳۰۴ رقبه موقوفات غیر متصرفی که خودشان متولی دارد و کار خودشان را میکنند و اینها ۲۸۶ میلیون و خرده ای ریال درآمد را بدست می آورند و صرف میکنند و مباشرت میکنند این سازمان اوقاف بر ۲۳۶۲۲ رقبه و متصرفی که متولی ندارد و بحکم قانون سازمان اوقاف مباشرت میکنند در دادن موقوفات اینها هم ۱۳۲ میلیون خرده ای ریال درآمد دارد که جزو بودجه مملکت نیست و جمعش می شود ۴۱۹ میلیون و ۲۰۶ ریال یعنی ۴۰ میلیون تومان این موقوفات درآمد دارد و توی خودش میگرد، خوب برای اینکه اینرا بدهید دست کسی که بیک قسمت نظارت کند و بیک قسمت مباشرت کند صدی چند حاضرید بدهید که بر این ۴۰ میلیون نظارت کند صدی دو خوب است؟ صدی سه خوب است؟ صدی شش خوب است؟ صدی ده، بیست خوب است؟ این سازمان اوقاف شما صدی پنجاه از بودجه عمومی کشور را میگیرد یعنی مبلغ ۲۰۲ میلیون و ۴۵۰ هزار ریال این سازمان میگیرد برای اینکه بر ۴۰۰ میلیون ریال نظارت کند ۲۰ میلیون تومان میگیرد که بر ۴۰ میلیون تومان نظارت کند پس چگونه میخواهید مردم اعتماد بکنند چیزی وقف بکنند یعنی بازای هر بیک تومان که وقف کنند ما باید ۵۰ ریال از خزانه بدهیم که بیک تومانی را که آنها داده اند بر آن نظارت بشود شاید بگوئید که سازمان اوقاف اینکار را نمیکند و الا توی بودجه مان اینطور نوشته شاید بگوئید کار آموزش را هم میکنند پس وزارت آموزش و نظام برنامه ای برای چیست به یکی بگوئید کار تو آموزش است بعد کار او را بگیرد بدهید به آن یکی به یکی از آنها میگوئید نظارت کن و کار او را به دیگری بدهید پس حاصلش اینست که شما صدی پنجاه حق مباشرت و حق نظارت میدهید پس بنابراین کسی نباید وقف بکند برای اینکه این وقف برای این ملت بسیار گران تمام می شود (مهندس ارفع - آقای دکتر توجه فرمائید نظارت تنها نیست هم مباشرت است دهم سایر هزینه هایش اینرا فرمائید که پنجاه درصد اینها بهتر می رود انعکاش صحیح نیست) من در این مجلس و در این نیمه شب عرض میکنم مطبوعات منعکس نکنند شما تشریف بیاورید روشن کنید، توضیح بدهید واقعاً ما خیلی از امیدهای خودمان را ناگرمیم به اوقاف ببندیم ما خیلی از امیدهای دانشگاه را به این

بسته ایم (مهندس ارفع - ما باید مردم را علاقه مند به بیک چنین اموری بکنیم) بلی منهم عرض همین است ولی با چنین بیانی معلوم کنید که جزو این بیلان امور و وظائف چقدر است و آن قسمتی که حق نظارت و مباشرت است چه مقدار است شاید دو درصدش باشد آنوقت من در همین جا در این مورد بپوش خواهم خواست از اینکه بیک چنین توضیح گمراه کننده ای داده شد بهر ترتیب نسبت کارمندش هم جالب است این نسبت ۸۰۳ نفر هستند و ما حقوق سرانهای در حدود ۲۵ هزار تومان در سال به ۸۰ نفر میدهیم که بر ۴۰۰ میلیون ریال موقوفه نظارت کنند البته توضیحی اگر داشته باشد و واقعاً من دلم میخواهم که توضیحی داشته باشد بهمین دلیل میخواهم که ذهن مجلس را روشن بکنم در اینجا اشاره ای شد راجع به بیمارستان موقوفه شفا بحیثیان آنطور که من در کمیسیون پرسیدم و توضیح دادند موضوع باین نحو است که این بیمارستان وقف است و زیر نظر وزارت بهداشت است بموجب قانون، وزارت بهداشت این حق را دارد که این بیمارستان را بعنوان مباشرت بدیگری منتقل کند و این حق را منتقل کرده است به انجمن توان بخشی و این انجمن توان بخشی بیک انجمنی است که بموجب قانون بوجود آمده و اعتقاد من اینست که متأسفانه این یکی از مواردی است که ناشی از ضعف وزارت بهداشتی بود که خودش نتوانسته بیک چنین فعالیتی را که حقتش بوده در زمینه فعالیت خودش انجام بدهد ناگزیر وزارت کار و دیگران دخالت کرده اند و این انجمن توان بخشی را ایجاد کردند معذک از لحاظ کار و قفیش این مطلب ایرادی ندارد خوب صحبت از منابع بود که سخن به اوقاف کشید انشاء الله توضیح میدهند که بمرم این امید را بدهیم که حاضر باشند به میل و رغبت قسمتی از عواید املاک خودشان را برای امور آموزشی وقف کنند منابع عمومی را عرض کردم منابعی را باید از راههای مختلف از صرفه جوئیهای انقلابی از هزینه های اداری بدست آورد و در راه سازمانهای دانشگاهی صرف کرد و این بحد زیادی امکان دارد علاوه بر آن اوراق قرضه خاصی بمنظور توسعه امور دانشگاهی می شود با بررسی های لازم منتشر کرد مالیات آموزشی زودتر آمده گرفت باید ابتدا برای ملت توضیح داده شود که این عقب ماندگی را میخواهیم جبران کنیم هر صاحب

درآمد بیک درصد، دو درصد از درآمدش را اختصاص باین امر بدهد نه اینکه مالیات از محصل بگیریم آنرا عرض نمیکنم مالیات از کسانی که درآمد دارند گرفته بشود و این اختصاص داده شود به بیک دانشگاه بیمه آموزشی هم که اتفاقاً شنیدم صحبتش شده انجام بپذیرد و هر خانواده ای از ابتدای تولد فرزندش بیک مبلغ خاصی بپردازد و این مبلغ بتدریج بلوکه شود تا بتواند قسمتی از هزینه آموزش عالی را ایجاد بکند بنابراین این راهها هست که از این راههای گوناگون میشود بطور انقلابی منابع لازم، تهیه کرد و ایجاد کرد و در این راه صرف کرد نکته سومی را اگر چه وقت دیر است و من نمیتوانم از این بگذرم در مورد آموزش تاریخ و ادبیات است متأسفانه در ضمن برنامه ریزیها بیک نامناسب عنوان شده است باین ترتیب که اعتقاد به این پیدا شده که بکارهای فنی و علمی ارزش بیشتری از ادبیات داده بشود عقیده من اینست که بیک چنین دگمی و بیک چنین مفهومی جامعی را ما نباید اساساً قبول بکنیم مابه نسبتی که برنامه ریزیها مان و احتیاجات مان نشان میدهند باید رشته های ادبیات و علوم انسانی داشته باشیم اینکه میگویند کارشناسان فلان دستگاه توصیه کرده اند که شما باید بیک نسبت ۴۵ درصد و ۵۵ درصد را بپذیرید این اصولاً از نظر من قابل قبول نیست ما سازمان بر نامه داریم برای چه برای اینکه برنامه های این کشور را ارزیابی بکنند به بینما چقدر کادر علمی و صنعتی لازم داریم چقدر کادر ادبی و تاریخ و علوم انسانی لازم داریم ولی با اعتقاد من بر آورد مادر مورد ضرورت امور تاریخ و ادبیات و فرهنگ آنطور که باید شاید بر آورد نشود مابه اینها پنجم حقارت داریم نگاه میکنیم و این اسف بار است فرهنگ، ادبیات اینها قالب فکر ما را میسازند کسیکه فکرش قالب نداشته باشد نمیتواند فکر کند دو چیز قالب فکر را میسازند منطق و ریاضیات بعنوان بیک عامل و زبان بعنوان عامل دوم اینها قالب فکر را میسازند و آدم آن چیزی است که فکر میکند آنکسی که گفت: ای برادر تو همان اندیشه ای این به اعتقاد من صحیح است کسی ممکن است تعلیمات تکنولوژی بگیرد بیک طبیب بشود، بیک صنعتگر بشود اما از این معلوماتش بیزار آدمیتش استفاده میکند، میزان آن هستی انسانی و گوهرش پیش استفاده میکند و این گوهر انسانی که اندیشه اوست در قالب زبان و ریاضیات و ادبیات

رشد و پرورش پیدا میکنند بنا بر این مابعد اندیشه ادبیات صرفاً از این نظر نباید نگاه کنیم که بگوئیم مابعد شاعر احتیاج داریم و بعد بگوئید هیچ در دنیای که فقط ما وقتی ضرب رشد را نشان دادیم فارغ از این محتوی رشد چیز دیگری نمیخواهیم شاعر میخواهیم چه کنیم؟ شاعر که در ضرب رشد نفعی ندارد اما ضرب رشد را به کیفیتی نشان بدیم که آدمی که این ضرب را ساخته نشان بدهد آنوقت به قابلش هم احتیاج داریم آنوقت به یک قالبی که زبان ما را پرورد و تدریس کند احتیاج داریم بقالبی که معنی فرهنگ را بیان کند احتیاج داریم که اصولاً معلوم باشد که فرهنگ چیست، تمدن چیست اینها را باید گفت یک جانی بررسی کرد، در یک جانی حلاجی کرد دنیای علم است ولی اینها را اگر یک جانی نگویند کسی نمیداند جوانان ما هم گشاهی ندارند اگر جوانان ما اشتباه بکنند و گمان بکنند که هر کشوری که تولیدات خالص بیشتری دارد تمدن تر است اینها را باید به آنها ایراد گرفت اینها را کجا بحث کردید که جوانان بدانند اینها قاعدتاً در یک مجموعه یاد در یک ساختمان اجتماعی که قله آن دانشکده ادبیات و کانونهای آموزش و فرهنگ و هنر است در آن سطوح بالا ساختمانی شود و در آن سطوح بالاتر شئون اجتماع را در بر میگردد عبارت دیگر مافاعداً آن کسانی که مدارس عالی را طی میکنند استنباطمان اینست که اینها اگر بقدر دوازده سال زبان و ادبیات فارسی خوانده باشند کافی است من میخواهم بگویم که تجربات نشان داده است که کافی نیست دوازده سال زبان و ادبیات در پایه دانش ما برای زندگی در این اجتماع کافی نیست این دوازده سال حتی کافی نیست که ما بفهمیم فرهنگ چیست، کافی هست که بفهمیم تاریخ چیست تاریخ شرح وقایع گذشته نیست فرهنگ ما هم تنها فرهنگ باستانی ما تنها نیست تاریخ وسیله توجیه زمان حاضر است تاریخ ما، استعداد های ما، دینامیسم ما آنچه که در قوه دارد آنچه که میتواند آرمانها و آرزوهای ما را بسازد نشان میدهد و تاریخ فرهنگ عبارت است از وسیله شناخت موجودیت فرهنگ کنونی حیثیت انسانی و حیثیت ایرانی یعنی هر گاه کسی نخواهد بداند که جقدر ایرانی است میباشد باید پرورش علمی بیش از سطح دوازده ساله متوسطه ادبیات و تاریخ خوانده باشد بساین میزان ادبیات و تاریخ خوانده باشد حالا من کار ندارم که این میزان را

خوب درس میدهند یا بدکاری ندارم ولی ناچاریم سطح آموزش ادبیات و تاریخمان را برای تمام تحصیلات عالی لافل سطح لیسانس برسانیم یعنی یک طبیب ما باید با اندازه لیسانس یادیکه خوب درس خوانده باشد تاریخ و ادبیات بداند یک وجه این ضرورت را عرض میکنم ما در دنیای کنونی ناگزیریم که تحصیلات دانشگاهیان با آشنائی واحاطه یک یاد و زبان خارجی باشد و همین احاطه یک زبان یاد و زبان خارجی اصولاً عاملی است که زبان ما را برای اهمیت جلوه بدهد پس فارسی چرا بخواند این بجه اینکه آخرش میخواهد برود پزشکی را بزبان فلان بخواند خوب این دبیرستانش را هم بهمان زبان بخواند منطق هم دارد در دبستان هم همان زبان را بخواند پایه اش محکم تر می شود اینجا یک چیز میماند آنوقت آن آدم ایرانی بودنش چه میشود آنکه اصل مسأله و موضوع است آنکه تمام این کوششها و مسائل و تمام این نظم شاهنشاهی از اول تاریخ تا به امروز بخاطر حفظ خصوصیت و حیثیت ایرانی ماست چه می شود (صحیح است - احسن) ما حرفی نداریم دوزبان زنده بخوانند، سزبان زنده بخوانند اما زبان فارسی را خوب بخوانند، فرهنگ شناسی و آرمان شناسی را هم خوب بخوانند سطح متوسطه کافی نیست باید این حد را به لیسانس برسانیم تا این حد باید بطور عمومی بگذرهای رهبری کننده مملکت زبان و تاریخ و ادبیات یاد بدهید تا بسا مستقر بشوند در حیثیت ایرانی خودشان بعنوان ایرانی طبیب و مهندس باشند و وقتی در یک چنین سطح و سکونتی باستیم از هیچ اندیشه ای نمیترسیم و از هیچ ملت برای اینکه هر چه آنها داشته باشند ما فراتر از آنها را داریم اما بسیاری چیزها آنها دارند مثل جنگهای سیاه و سفید هاملت تشت های موجهای هینی های سرگردان و بی آرمان که آنها را مانداشته ایم و نمیخواهیم داشته باشیم پس باین کانونهایی که منبع فساد است فکر کنیم باید آن اندازه دبیر علوم، ادبیات و تاریخ و فرهنگ باین مملکت بدهند که بتوانیم سطح آموزش زبان و ادبیات فارسی دانش آموزان تمام رشته ها را سطح لیسانس بالا بیاوریم این خودش یک کانون است ضرورت ما ایجاب می کند که در این مورد یک رقم بالاتری داشته باشیم کارشناس فلان مؤسسه که گفته ۴۵ درصد برای خودش کرده گفته برای اینکه اومشولیت نسبت به حفظ حیثیت ایرانی ما را ندارد (بزشکپور - آن کارشناس همان کشورهای متمدد

است) ما باید بدانیم ضرورت ما چیست شما صد هزار دانشجو و دوست هزار دانشجو را میخواهید تا سطح لیسانس با و ادبیات و تاریخ درس بدهید این را کارشناسان تعیین می کنند مادر بر نامه آینده مان میخواهیم ۶۰ هزار دانشجو را تاریخ و ادبیات یاد بدهیم ظرفیت دانشگاههای ادبی ما بر این رقم استقرار دارند ندایک رقمی که کارشناس، بدون توجه به خصوصیات ملی ما برای ما عرضه کرده باشد این برای ما ارزش ندارد این نکته ای بود خیلی ضروری که متأسفانه همانطور که گفتم ما اینجا صحبت میکنیم برای اینکه زبان بزبان فکر بفرماییم بزرگترش پیدا بکنند حالا دو بند در اجتماع ما هست یکی آن بترهائی که فرهنگ و ادبیات ما را تحقیر می کند و خیلی با آگاهانه میگویند ما این همه شاعر و ادیب می خواهیم چکنیم و یکی آن بذری که می گوید می خواهیم نوع مرغوب و خوش را می خواهیم همینطور که ایرانی و قالب فکر ایرانی را حفظ حفظ کند و ایرانی بتواند در قالب فکر خودش باقی بماند و در این قالب خلایق و آفرینندگی داشته باشد در این مورد اجازه می خواهم لافل از وقت استفاده کنم نکاتی را که یادداشت کرده بودم عرض کنم ما در زمینه آموزش عالی و سایر شئون آموزش خودمان باید یک مفهوم انقلابی پیدا کنیم ما نا حالا فکرمان این است که تربیت پرسنل با دستگاههای آموزشی است اما این که این پرسنل در چه سازمانی کار کنند این با فضا قدرت است این صحیح نیست عبارت دیگری ما فقط حق نداریم در مدرسه های پزشکی طبیب خوب تربیت بکنیم در مدارس مهندسی فقط مهندس خوب تربیت کنیم این کافی نیست باید به بینیم سازمان پزشکی ما چیست این سازمان پزشکی چه نوع آدم احتیاج دارد دانشگاه پزشکی آن جور آدمهایی را تربیت بکنند که این سازمان پزشکی می خواهد امروز اینجا بحثی مطرح شده بود غالباً افراد میروند متخصص میشوند و ما طبیب عمومی نداریم این عیب افراد نیست شما دانشکده را طوری تجهیز کرده اید طوری ارگانیزه کرده اید که به طبیب عمومی چیزی یاد نمیدهند کسی که گواهی اش را بخواهد طبیب عمومی بگیرد بعلمت برنامه دانشکده احساس می کند هیچ چیز بلد نیست نه بعلمت کوشش خودش بعلمت سازمانها و برنامه ها و در همین دانشکده ها راهپائی گذاشته اند و بجاری باز کرده اند که میتوانند بروند خارج از کشور تحصیل کنند و تخصص به بینند و در بعضی که مثل دانشکده پهلوی

مجرای تخصص را باز کرده اید که به امریکا بروند و آن بیوندهای دانشگاهی را به بینند زبانش هم خوب است برای اینکه ما سازمان داده ایم که این مغزها فرار بکنند اگر نکنند مایه تعجب است اسکارو ایلد را بردند پای آشار نیاکارا راهنمای او گفت عجیب است که این همه آب از آن بالا میریزد با این اسکارو ایلد گفت برعکس عجیب بوده اگر این آبها نمیریزد با این شمایک مجاری بازمی کنید که افراد فرار کنند عجیب است که فرار نکنند، ادبیاتشان را که با شاعری عوضی میگیرند از لحاظ حیثیت ایرانی افراد را پرورش نمیدهد از اینطرف هم که بعنوان طبیب عمومی چیزی به او یاد نمیدهد آنوقت میگوئید چرا فرار می کنند برای اینکه شما یاد دادید که فرار بکنند در این سیستم البته طبیب خوب ساخته میشود اما طبیب خوب باب کجا جنس خوب داریم تا جنس برای کمک و برای گرداندن بیمارستانهای سیستم کار امریکا طبیب بسیار خوبی است نه برای کار در داخل وطن خودش بعلمت همین برنامه ها طبیب نامناسی است چون شما مطلق پرسنل را در سازمان ساخته اید پس اول ما باید تکلیف را تعیین کنیم که سیاست درمانی ما چیست ما مرخصخانه را کجا می خواهیم بسازیم برای چه خدماتی می خواهیم بسازیم پس وقتی این اصل درست شد دانشکده ها باید بیاید دنبال ساختن آدم برای پرکردن این قالبها من تعجب می کنم ما یک نمونه هائی در مملکت خودمان داریم چرا از آنها الهام نمیگیریم مگر ارزش نیست یک نوع پرسنلی می سازد که بدرد سازمانش بخورد و کانونهای آموزشش را با بیا پیش میرد هر چه را که لازم دارد تربیت می کند موزیک چی لازم دارد موزیک چی تربیت می کند افسر سناد لازم دارد افسر سناد تربیت می کند هر چه را که لازم دارد تربیت می کند دانشکده برای آسمان که نمی خواهیم بسازیم اینها را با این مصیبت و بدبختی برای خودمان می سازیم باید هم از فارغ التحصیلان نشان در سازمانهای این مملکت استفاده کنیم خیر که نمی خواهیم بکنیم نذر که نداریم شما اول بگوئید سازمانتان چیست تا بعد بتوانیم بگوئیم یک دانشکده خوب کار می کند باید کار می کند سازمان را جدا می کنید امروز خدا برکت بدهد به این وزارت بیداری هیچ کرم وسخاوت مندی را باین کرم وسخاوت ندیدیم همه چیز را دارد می بخشد کاملاً وسخاوت مند است این سازمانهای درمانی مال

مردم است سازمان درمانی جزئی است از سیاست درمانی سیاست درمانی را روشن بکنید مسئولیتش را تعیین بکنید بعد بدهید بیست سازمان خیریه عام المنفعه اداره بکنند حرفی نیست اما سیاست درمانی باید معلوم بشود و مسئول می خواهد در مقابل پارلمان وزارت بهداشت می تواند مرخصانه ها بشود بدهد به هر بخش که صلاح بداند منتقل کند که اداره بکنند اما نمی تواند بگوید مسئول نیستم و سیاست درمانی بمن مربوط نیست سیاست درمانی باید سازمانها تعیین کنند و باید آموزش را ترتیب دهد اینها ممکن است در دو سازمان باشد ولی از لحاظ سازمان و سطح کل برنامه ریزی کشور اینها نمی تواند دو جور برنامه ریزی کند یعنی در دانشکده های پزشکی نوعی برنامه ریزی پزشکی داشته باشیم فرغ از فرم سازمانهای درمانی و بهداشتی این دو باید با بیای هم برنامه ریزی بشود و پیش برود البته خواهید فرمود سازمان برنامه دارم اینکارها را کرده ایم آنوقت می گویم که این فراموشها از کجا پیش آمده جواب بفرمائید مسئول سازمانهای درمانی در مقابل مجلس کی هست؟ اگر يك زمانی نصف مردم به سازمانهای درمانی دسترسی پیدا نکردند از کی باید ببرند آیا بموجب مقررات قانون، جمعیت شیر و خورشید پاسخ گو هست اصولاً يك سازمان مسئول است یا شما می خواهید در خیر راه بندید يك کسی آمده يك اموری را تنظیم کرده يك اموری خیریه را انجام میدهد اما این باید بیاید در برابر مجلس مسئولیت قبول کند چنین قانونی هم هست

حالا که این صحبت شد چند نگرانی هست که باید طرح کنیم و جواب باید داده شود این طرح که بیمارستانها شیر و خورشید داده بشود تا جائیکه ما شیر و خورشید را می شناسیم بسیار طرح امیدبخشی است یعنی من در شهر مهاباد وقتی که از همه جا و از وزارت بهداشتی ناامید شدم یعنی يك وقتی در وزارت بهداشتی گفتند در برنامه سوم میخواهیم وام بدهیم و این منظور هست بعد انکار کردند و دیدیم چنین چیزی نیست نه اعتباری هست و نه وام و بعد گفتند می خواهیم وام بدهیم به گروه، و گروه هم تا مدتی صحبتش شد تازه يك گروه وام دادند حالا اگر تا ۱۰ تا ۲۰ تا بود چیزی اما از این گروه برای مهاباد از طریق این وامها بیمارستان ساخته نشد و آخرین امید ما این بود که شیر و خورشید مراجعه کنیم منم پذیرفتم نرای مردم مهاباد و از شیر و خورشید استعفا کردم که بیمارستان خود را در مهاباد توسعه بدهد اینهم امیدی است

اما تکلیف پرسنل چه میشود يك عدم عدالت حقوقی باید ایجاد شود چون شیر و خورشید با يك موازن خاص به طبیب هائی که دارد حقوق میدهد و وزارت بهداشتی چند نوع به طبیب هائی حقوق میدهد و این تفاوت دارد آنچه که شیر و خورشید میدهد خوب تکلیف پرسنل چه میشود نگرانی دوم این است که این جمعیت شیر و خورشید که در شهرها خدمات بهتری انجام میدهند چون مسئول در برابر تمام مردم شهر نبوده يك پولی میگیرد از کسانی که مراجعه می کنند البته به نسبت خدمتی که می کنند زیاد نیست اما نسبت به نرخ بیمارستانهای وزارت بهداشتی و انجمن شهر يك نرخ بالائی است و همین سبب می شود که مردم باین بیمارستانها دسترسی پیدا نکنند تکلیف این نرخها چه می شود و سومین نگرانی مسئله مسئولیت است که کی در مقابل مجلس پاسخ گو خواهد بود هرگاه نوسان و اختلالانی در امر سیاست درمانی کشور پیش نیاید اینها مطالبی است که قطعاً در لایحه های که بمجلس تقدیم می کنند و باید منظور بشود و هم اکنون باید باین مسائل از نظر اهمیتی که دارد توجه بشود البته مطالب دیگری هم هست که می خواهم از مقام ریاست تقاضا کنم موافقت بفرمائید برای اینکه من عرضم را بطور ناقص عرض نکرده باشم اجازه بدهند روز سه شنبه بعرض مجلس برسانم

رئیس فرمایشاتتان را بفرمائید.

دکتر عاملی - اگر سیاست آموزش حرفه ای این آرزوی ۵۰ ساله این آرزوی انجام نشده این آرزویی که ما در بخش تعلیمات حرفه ای ۳۴ هزار دانشجو داریم در برابر ۹۰۰ هزار دانش آموز متوسطه و توضیحاتی که در این مورد لازم است و توضیحاتی که در مورد تربیت معلم لازم است اینها را بطور ممکن است بطور اختصار برگزار کرد ولی من عقیده خودم را در نهایت اختصار سعی می کنم عرض کنم اساس صحبت خودم را در مورد انقلاب آموزشی روی این پایه گذاشتم که ما باید از مفهوم هائی که در امور آموزشی داریم يك تحول انقلابی پیدا کنیم بحث در مورد دانشسرا و تربیت معلم بود شما هم اکنون در سال ۶۰ هزار فارغ التحصیل دیپلم مداریه که از این ۶۰ هزار نفر بطوریکه آقای دکتر فرمودند ۵ هزار جذب دانشگاههای می شود در حدود ۹ هزار جذب سپاه می شود و بقیه تکلیفی ندارند يك مقدار بیائیم فرم های غیر

همه بدترش برسد هم بکار معلمی اش این را بیائید يك ترتیب درست بدهید که يك کسی هم بتواند درس را بخواند و هم بتواند درس بدهد اینها ساده است باروش هائی اداری حل می شود که يك کسی هم کار کند و هم درس بخواند و هم نیاز بمعلم رافع کند و هم با رزوه های خودش برسد و در همین راه اگر این اصل را قبول کنیم میتوانیم يك راهرو يك کانالی پیدا کنیم برای توسعه معقول تعلیمات حرفه ای ما هر وقت میخواهیم بفکر مدرسه حرفه ای باشیم فکر این را میکنیم که يك الكو دارد يك مدرسه صنعتی بسازیم که این الكو خیلی بهتر از الكوئی که در خارج هست باشد منهای يك خصوصیت و آن اینست که در خارج تعمیرگاه و تراشکاری هست و سود آور است و دار کار میکند و اینکه در مدرسه هست سود آور نیست :

رئیس - آقای دکتر عاملی اگر چنانچه میل داشته باشید بقیه مطالبتان را بگذارید برای روز سه شنبه.

دکتر عاملی - من موافقم همانطوریکه عرض کردم سعی خواهم کرد روز سه شنبه وقت مجلس را زیاد نکیرم

۳- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه امشب را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز سه شنبه خواهد بود. (یک ساعت و پنج دقیقه بعد از نیمه شب جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**